



مفروضات بنیادین فرهنگ

محمود رضایی زاده

دکترای مدیریت و معارف اسلامی از دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

به زعم ادگار شاین «مفروضات بنیادین» فرهنگ درونی ترین لایه فرهنگ هستند که دو لایه «ارزش‌ها» و «مصنوعات و رفتار» بر این اساس شکل می‌گیرند و جهت می‌یابند. مفروضات بنیادین فرهنگ در فرهنگ ملی ایران و به تبع آن در سازمان‌های ایرانی کدام است؟ پاسخ به این سؤال نقش مهمی در فرهنگ شناسی ایران و شناخت صحیح فرهنگ سازمان‌های ایرانی دارد. مفروضات بنیادین فرهنگ باید به عنوان یک ملاحظه راهبردی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و نظارت و هدایت و رهبری سازمانها، مورد توجه مدیران قرار گیرد.

در این مقاله مفروضات بنیادین فرهنگ شامل نگرش به طبیعت، ماهیت فعالیت انسان، ماهیت واقعیت و حقیقت، ماهیت انسان، ماهیت واقعیت و حقیقت، ماهیت انسان، وظیفه گرایی - رابطه گرایی، مردگرایی - زن گرایی (توجه به کار - توجه به فرد)، فردگرایی - جمع گرایی (رقابت و همکاری)، تردید گرایی، فاصله قدرت، نگرش به زمان (خطی - چرخشی)، زبان (ساده - پیچیده)، فضا (عمومی - خصوصی) مورد بررسی قرار می‌گیرد و در هر مورد به طور اجمال دیدگاه اسلام نیز ارائه می‌شود.

اهمیت و ضرورت

فرضیات اساسی عمیق‌ترین و مهمترین سطح فرهنگ را تشکیل می‌دهد و باورها، ارزش‌ها، رفتار و مصنوعات ریشه در این سطح فرهنگ دارد. برای مثال در سازمان‌های ژاپنی جداسازی مکان کار صورت نمی‌گیرد و کارکنان بصورت گروهی کار می‌کنند و مسئول بخش کمی جدا از آنها می‌نشینند و بر کار چند گروه نظارت می‌کند. در سازمان‌های آمریکایی فضا با استفاده از پارتیشن‌ها جداسازی می‌شود و در آلمان دفتر کارکنان کاملاً خصوصی است. مردم آمریکا به تشریفات زیاد اهمیت نمی‌دهند اما در ژاپن به یکدیگر ادای احترام کرده و کارت مشخصات خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند. فرانسوی‌ها نزد همکار خود رفته و با او دست داده و با ذکر نام او سلام کرده و به چشموهای او نگاه می‌کنند اما آمریکایی‌ها برای کسی که وارد اتاق آنها می‌شود دست تکان می‌دهند. آیا در فرهنگ‌های خاص زنها

می توانند با یکدیگر دست بدهند و مردها همدیگر را بغل کنند؟

اروپایی ها از خودمانی بودن زیاد (رفتار غیررسمی از طریق صدا کردن با نام کوچک و...) و تواضع بیش از حد خوششان نمی آید اما آمریکایی ها همکاران خود را با نام کوچک صدا می کنند. مردم شمال اروپا در مقایسه با جنوب اروپا حریم بیشتری برای خود قائل می شوند بنابراین هنگام صحبت با آنان باید به اندازه ای بیش از درازی یک دست از او فاصله بگیرید تا او احساس راحتی کند. آمریکایی ها از یکدیگر سؤالات بسیار دوستانه و خصوصی می پرسند اما فرانسوی ها زندگی شغلی و شخصی خود را کاملاً جدا می دانند. بنابراین شناخت فرهنگ از طریق شناخت عناصر اصلی، مشخصات و مفروضات بنیادین آن نقش مهمی در پیش بینی و کنترل رفتار افراد و نیز ایجاد ارتباط اثربخش و نفوذ در آنان دارد.

۱- نگرش به طبیعت

فرهنگ آمریکایی را می توان فرهنگ «خواستن توانستن است» توصیف کرد. عبارات هایی چون «نامید مشو» بیان قاطع این باور است که هیچ چیز از قبل تعیین نشده است. اروپایی ها این دیدگاه را «شور آمریکایی» می نامند. در حالی که در پاره ای از فرهنگ ها انسان بر سرنوشت خود حاکم است، در دیگر فرهنگ ها سرنوشت انسانها از پیش تعیین شده است، به جای اینکه سعی کنید تغییر بدهید یا باعث بروز چیزی بشوید، بهتر است بگذارید هر چه می خواهد بشود.

هاف اسستد معتقد است که تمایل انسان به کنترل طبیعت و سرنوشت خود

معلول وحشت و اجتناب از عدم اطمینان است. این امر ناشی از نگرانی جامعه از عدم اطمینان، تمایل به پیش بینی آینده و کنترل آن و پرهیز از خطر است. برنامه ریزی و اعتقاد به اقدامات پیشگام و قبول مسئولیت، همه مؤید این فرضیه است که انسان دوست دارد بر سرنوشت خود کنترل داشته باشد (اشنایدر، ۵۱).

در جوامع غربی باور غالب این است که همه چیز شدنی است پس بشر می تواند بر طبیعت چیره شود. شعار تفنگداران دریایی آمریکا «می توان» است. بر عکس در بسیاری از جوامع آسیایی باور غالب این است که انسان باید با طبیعت در آمیزد یا حتی تسلیم آن باشد. (شاین، ۷۹)

در رویکرد اسلامی انسان بر سرنوشت خود و نیز طبیعت حاکم است و می تواند طبیعت، پدیده ها و نیروهای آن را تحت کنترل خود در آورد. قرآن کریم می فرماید: خداوند آنچه در آسمانها و زمین است را تحت کنترل شما قرار داده است (سخرلکم ما فی السموات و ما فی الارض). اما برخلاف این آموزه اسلامی، نگرش مسلمین با تلقی اشتباه از مفاهیم متعالی مانند توکل و قضا و قدر، مبتنی بر تسلیم است نه حاکمیت و تسلط یعنی بطور نسبی جبرگرایی و تقدیر گرایی در فرهنگ ایرانی نهادینه شده است.

(جبرگرایی (تقدیرگرایی)

بر اساس تحقیق انجام شده جبرگرایی و تقدیرگرایی فرهنگ عمومی و مسلط بر اذهان اعضای جامعه ماست. نسبت قابل توجهی از مردم معتقدند که قضا و قدر در زندگی موثر است (نسبت موافق به مخالف: ۸) بعضی از مردم بد ذات هستند (۶/۸) از چشم بد باید ترسید (۴/۱۴) روزی

هر کس به قدر قسمت اوست (۳/۹۷) بعضی از مردم بدشانس هستند (۳/۲۱) و سرنوشت هر کس از قبل تعیین شده است (۱/۹۵) (عبدی، عباس، ۱۳۷۸، ۲۰).

۲- ماهیت فعالیت انسان (تأمل- اقدام) فرضیه کنترل و حاکمیت بر سرنوشت در مقابل تسلیم سرنوشت شدن، به میل انسان به انجام اقدام یا اقداماتی مؤثر مربوط می شود. برای آمریکایی ها، ایجاد تغییر و خلق موقعیت تنها راه بقا به شمار می رود. وقت صرف کردن برای تفکر و تعمق در واقع به معنای موقعیت نامؤثر است.

مدیران اروپای شمالی و آمریکا عموماً در انجام اقدامات پیشگام می شوند و به سرعت تصمیم می گیرند. آنها برای فعال بودن و قاطع بودن ارزش قائلند. «تصمیم غلط گرفتن بهتر از تصمیم نگرفتن است». آمادگی برای اقدام به معنای آمادگی برای پذیرش خطر و اشتباه کردن و نیز به معنای آمادگی برای انجام اصلاحات لازم است.

مدیران فرانسوی برای فکر کردن در مقابل اقدام کردن ارزش بیشتری قائلند. آنها در مقایسه با همتهای خود وقت بیشتری را صرف برنامه ریزی و تجزیه و تحلیل می کنند. این کار با نگرش مدیران آمریکایی که معتقدند با انجام اقدامی و لو اینکه اشتباه هم باشد به هدف خود خواهند رسید، در تعارض و تضاد است. آنها معتقدند که بهتر است خوب فکر و تجزیه و تحلیل کرد تا بتوان کاری را صحیح انجام داد، نه اینکه با اشتباه انجام دادن کار تنها زمان را به هدر داد.

وقتی که مدیران می پذیرند که بر طبیعت و سرنوشت امور کنترل دارند، آنگاه با تمایل بیشتری دست به اقدام می

زند و اهمیت بیشتری برای انجام دادن در مقایسه با بودن قائل می شوند. اما اگر مدیران تصور کنند که کنترل کمی بر امور و طبیعت دارند، آنگاه برای برنامه ریزی و تفکر، وقت بیشتری صرف می کنند تا بتوانند رویدادهای آینده را پیش بینی کنند و خود را با وضعیت موجود هماهنگ کنند. در نزد این مدیران طرز تفکر و شخصیت فردی در مقایسه با اقدام کردن از اهمیت بیشتری برخوردار است. از این تفاوت در دیدگاهها، با عنوان دستیابی در مقابل تسلیم یاد می کنند.

در آمریکا این باور که «هر کس می تواند رئیس جمهور شود» حامل این پیام مهم است که آنچه فرد بدست می آورد بسیار مهمتر از این است که کجا به مدرسه می رفته یا روابط حرفه ای او چگونه است. در فرانسه برای رئیس جمهور شدن، باید از شایستگی های خاصی برخوردار باشید و دارای روابط و ارتباطات مناسب باشید (اشنایدر، ۵۳).

در رویکرد اسلامی قبل از هرگونه تصمیم گیری، اقدام و سخن باید تأمل و تفکر نمود یعنی باید از پشتوانه علمی برخوردار باشد در غیر این صورت سرعت حرکت نه تنها فرد را به مقصد نمی رساند بلکه او را از هدف دورتر می سازد اما در عین حال اقدام و عمل نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است و علم بدون عمل ارزش ندارد. به نظر می رسد شناخت گریزی به معنای عمل نکردن براساس دانش و شناخت از ویژگی های فرهنگ ایرانی است یعنی ماهیت فعالیتها در ایران بیشتر اقدام است تا تأمل برای کسب دانش و شناخت.

شناخت گریزی

ایرانیان در تولید دانش بشری سهم

بسیاری داشتند، ولی عمل براساس دانش و شناخت، در ایران عمومیت پیدا نکرده و به فرهنگ غالب در جامعه تبدیل نشده است، بلکه همیشه در محدوده مجامع علمی و اهل دانش وجود داشته است. کدام ایرانی است که نداند در امور اداری، نظم و سروقت آمدن خوب است و تأخیر و دیگران را معطل کردن بد و نامطلوب ولی کمتر جلسه ای را می توان یافت که طبق برنامه دقیقاً سر وقت آغاز شود و سروقت پایان یابد (علیخانی، علی اکبر، ۷-۱۲۲).

۳- ماهیت واقعیت و حقیقت (آمار و ارقام، شهود و آموزه های مذهبی). اینکه حقیقت چیست، در هر فرهنگی فرق می کند. در بسیاری از کشورهای آنگلو ساکسون، حقیقت مترادف است با آمار و ارقام. در فرانسه برای اخذ هر تصمیم تجاری نه تنها باید اطلاعات رقمی را دقیقاً تجزیه و تحلیل کرد بلکه باید منطق حاکم در این خصوص را نیز بررسی کرد. دکارت، فیلسوف فرانسوی معتقد است که «حقیقت تنها با استدلال منطقی حقیقت می شود». مدیران فرانسوی در حل مشکلات از نگرش استقرایی بهره می گیرند و راه حل ها را از دل نظریه ها بیرون می کشند.

آمریکایی ها نگرش استنتاجی دارند و نظریه ها را بر اساس داده ها و تجربیات خود خلق می کنند. آنها آماده اند هر لحظه که لازم باشد وارد عرصه شوند و تجربه و آزمایش کنند.

سایر فرهنگ ها بیشتر به احساسات، مکاشفه (برداشت ذهنی) و مسائل معنوی توجه و اعتماد می کنند. حتی اگر به آنها آمار و ارقام موثق هم بدهید، تا احساس نکنند که مطالب شما صحیح است آن را نخواهند پذیرفت. مثلاً مدیران برزیلی می گویند که ترجیح می دهند که به

مکاشفه و احساسات اعتماد کنند، زیرا در بسیاری از اوقات بدست آوردن آمار و ارقام کاری دشوار است. عدم ثبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی این کشورها نیز موجب تقویت این نوع طرز تفکر شده است. بر اساس گزارش های منتشر شده در مجله اکونومیست درآمد حاصل از طالع بینی در برزیل بیش از یک میلیون دلار در سال است (اشنایدر، ۵۵).

نمی توان تمام فرهنگ ها را واقع گرا دانست. در بسیاری از فرهنگ ها، آداب و رسوم، اصول اخلاقی، آموزه های مذهبی و سایر منابعی که در نهایت حرف آخر را می زنند به شکل آشکارتری راه راست و درست را نشان می دهند. حتی در جوامع غربی هم در بسیاری از حوزه ها، آموزه های مذهب و اخلاق مقدم بر تجربه عینی است (شاین، ۸۴).

در رویکرد اسلامی برای شناخت واقعیت و حقیقت از تمام منابع شناخت (طبیعت، عقل، قلب و وحی) و ابزارهای متناظر آن (حواس، استدلال عقلی، تزکیه نفس و متون مربوط) باید استفاده کرد. آنچه مهم است این است که قلمرو این منابع و ابزارها متفاوت است و برای شناخت واقعیت و حقیقت در هر حوزه خاص از ابزار خاص آن باید استفاده کرد.

بر اساس مطالعات اخیر، اعتقاد به خداوند، دخیل بودن خداوند در امور زندگی و اعتقاد به وجود بهشت در میان ایرانیان جایگاه ویژه ای دارد و بر اساس داده های ملی، میزان گرایش های مذهبی در حدود ۹۰٪ می باشد (حاجیانی، فصل پنجم). یکی از موانع مهم درک واقعیت و حقیقت کوتاه نظری است. منظور از کوتاه نظری (تنگ چشکی)، وجود نگرش محدود و بسته است که به سرعت افراد

را برمی‌آشوبد و به واکنشهای نسنجیده و می‌دارد. با وجود این نگرش، افق دید بسیار محدود است و ضمن همراه بودن با توهمات، امور جزئی و کوچک یا نتایج آنها، بزرگ و مهم تلقی می‌شود. کوتاه‌نظری افراد در حوزه نظام اداری و سیاسی، به رقابتهای منفی‌ای تبدیل می‌شود که به موجب آن هر کس تلاش نمی‌کند از دیگری جلو بیفتد، بلکه هر کس احساس می‌کند تا جلوی دیگری را بگیرد و فرد معمولاً در جهت رشد و تکامل خود نمی‌کوشد، بلکه به تخریب دیگری می‌پردازد.

در اغلب موارد افراد کوتاه نظر با افراد بلندنظر و دلسوز که می‌خواهند کارهای جدی و اساسی انجام دهند درگیر می‌شوند. یکی از دلایل اینکه کارهای کلان و جدید در ایران بسیار اندک است وجود همین فرهنگ کوتاه‌نظری است که مانع انجام کارهای اساسی می‌شود. هر کار بزرگ، اگر صد فایده داشته باشد، چند ضرر هم دارد و اگر ۷۰ درصد نتایج آن از قبل روشن باشد ۳۰ درصد آن نیز مبهم است، این افراد با استناد به چند ضرر و ۳۰ درصد ابهام، جلوی کار را می‌گیرند. اگر قرار بود اختراع برق در قالب یک پروژه تحقیقاتی در ایران اجرا شود، افراد کوتاه‌نظر با این دلیل که برق انسانهایی را خواهد کشت جلوی آن را می‌گرفتند (علیخانی، علی اکبر، ۱۲۱-۱۱۹).

۴ - ماهیت انسان

فرضیات مربوط به ماهیت انسان، تمایل و آمادگی برای انجام وظایف و ماهیت نظام‌های کنترل را تعیین می‌کنند. لارس کولیند مدیر شرکت ایتکون اظهار می‌دارد که فرضیه شماره یک او این است که افراد بالغ را استخدام کند. از نظر او

فرد بالغ کسی است که وقتی مشغول به کار می‌شود می‌داند که چه وقت سرکار بیاید، چقدر کار کند و چقدر صرف مسافرت کند. بنابراین دیگر نیازی به استفاده از کارت‌های ساعت، تعیین شرح وظایف و محاسبه هزینه‌های مسافرت نیست. این فرضیات در باب ماهیت انسان به ماهیت روابط مربوط می‌شود. مثلاً اگر فرض کنیم که افراد ذاتاً خوب هستند، بیشتر حاضریم که به کارکنان خود اختیار بدهیم و به آنها اجازه بدهیم که راه خود را بروند و کارشان را انجام دهند. این امر موجب تقویت بیشتر رابطه‌گرایی می‌شود. اگر فرض کنیم که افراد ذاتاً بد هستند، به کنترلها و نظارت‌های بیرونی بیشتری نیاز داریم. این امر، فرهنگ وظیفه‌گرایی بیشتر را تقویت می‌کند و بر سلسله مراتب و دیگر اشکال کنترل اجتماعی مثل فشار گروه تأکید می‌کند. بنابراین فرضیات مربوط به ماهیت انسان بر فرضیات مربوط به ماهیت روابط و میزان اهمیت آنها (مثلاً در مقایسه با انجام وظایف) و ساختار آنها تأثیر می‌گذارد (اشنایدر، ۵۹).

یافته‌های پژوهشی به وجود میزان بالای بی‌اعتمادی اجتماعی تا حد بیش از ۸۵ درصد اشاره دارد (حاجیان، ۲۵۳). رواج پدیده‌ها و مسائلی چون سوظن، تردید، حسادت، دشمنی، بدبینی و در نهایت بی‌اعتمادی به دیگران، در تضعیف پیوندهای اجتماعی بسیار دخیل هستند تا جایی که میزان کسانی که هموطنان خود را در حد بسیار کم صادق و راستگو و درستکار می‌دانند تا ۸۶٪ می‌رسد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۲۹-۱۲۰).

۵ - وظیفه‌گرایی - رابطه‌گرایی

در آسیا، آمریکای لاتین و خاورمیانه

مدیران ترجیح می‌دهند با افرادی که می‌شناسند معامله و تجارت کنند. قبل از انجام هر معامله، باید رابطه ایجاد شود. بدون ایجاد رابطه، چگونه می‌توانید مطمئن شوید که طرف شما تعهدات خود را در قبال قرارداد به خوبی انجام دهد و پایبند آن باشد. اغلب شرکتها ترجیح می‌دهند اعضای خانواده و اقوام خود را استخدام کنند زیرا معتقدند که به آنها راحت‌تر می‌توان اعتماد کرد. بنابراین آنها می‌توانند برای نظارت بر کارکنان از کنترلهای غیر رسمی اجتماعی استفاده کنند. در این فرهنگ‌ها همه پذیرفته‌اند هیچ کاری را نمی‌توان بدون وجود رابطه و ایجاد آن انجام داد.

مدیران آمریکایی و شمال اروپا ترجیح می‌دهند که بیشتر بر وظایف تمرکز کنند و روابط شخصی را از کار خود جدا کنند. آمریکایی‌ها از اینکه نسبت به انجام وظایف خود احساس تعهد می‌کنند به خود می‌بالند. آنها از انجام معامله با دوستان و اعضای خانواده خود پرهیز می‌کنند، زیرا معتقدند که این روابط قضاوت عادلانه و صحیح را کم رنگ می‌کند. افراد را باید براساس شایستگی (مهارت و موفقیت‌های قبلی) استخدام کرد نه بر اساس روابط. در این فرهنگ به این دیدگاه که برای انجام امور باید به روابط اعتماد کرد به دید شک و بدبینی می‌نگرند (اشنایدر، ۶۱).

در رویکرد اسلامی بطور متعادل باید به وظیفه و رابطه توجه کرد اما ایجاد رابطه نیز باید در راستای وظیفه مورد توجه قرار گیرد یعنی اصل انجام وظیفه است و روابط را نیز باید در راستای تحقق اهداف کاری سازماندهی نمود یعنی نمی‌توان به بهانه روابط از وظایف خود چشم‌پوشی کرد و به ایجاد

روابط اصالت داد نه به حسن انجام کار. در فرهنگ ایران رابطه گزایی اهمیت بیشتری نسبت به وظیفه گزایی دارد. به نظر می‌رسد خویشاوند گزایی، شایسته زدایی، تشریفات گزایی و زیاده روی در تعارف نمونه هایی از این مشخصه فرهنگی در ایران است.

خویشاوندگرای

پولاک می‌گوید: اعضای یک خانواده بین خود وحدت دارند و به عنوان یک واحد گرد سر طایفه جمع می‌شوند و این راس و رئیس به عنوان سرکرده تمام خانواده هایی که به این مجتمع بستگی دارند مورد احترام قرار می‌گیرد. هرگاه این رئیس بتواند مقام با قدرت و نفوذی را احراز کند مثلاً صدراعظم بشود بلافاصله می‌کوشد با عقب گذاردن همه غریبه ها تمام دار و دسته خود و حتی نورترین خویشاوندانش را از گمنامی و تاریکی بیرون بکشد و مناصب پایتخت و ولایات را به آنها بسپارد. البته به محض این که صدراعظم ساقط شود همه آنها نیز با وی از کار بی‌کار می‌شوند. در ایران به خوبی مصداق های آنچه گفته شد، دیده می‌شود. طوایف ماکو، نور، فراهان به تبعیت از ستاره اقبال وزرایی که از میان آنان برخاسته بودند به قدرت رسیدند و باز با شتاب افول کردند. قوم گزایی و خویشاوندگرای چنان قوی است که روابط برضوابط چیرگی دارند (کوثری، مسعود، ۵۵-۵۳).

شایسته‌زدایی

منظور از شایسته‌زدایی، حاکم نبودن اصل شایسته‌سالاری است. موقعی شایسته‌سالاری تحقق می‌یابد که توان و قابلیت افراد برای تصدی مدیریت، ملاک باشد، دلیل این امر قوی بودن معیارهایی بجز شایستگی در فرهنگ

عمومی ایرانیان است. براین اساس، معیارهای حزبی و گروهی، همفکر بودن، و معیارهای طبقه‌ای و رفاقتی نقش اصلی را ایفا می‌کنند (علیخانی، ۱۳۱-۱۲۹).

تشریفات گزایی

تشریفات وقت و هزینه بسیاری را به خود اختصاص می‌دهد و موجب می‌شود هوش و حواس بسیاری از مردم تنها معطوف به این باشد که تشریفات را بیاموزند و در جای خود بکار بندند. بنامین نخستین سفیر امریکا در ایران می‌گوید: ایرانی ها در تشریفات بی اندازه دقیق و باریک بین هستند. درویل می‌گوید: در هیچ کشوری آداب و تشریفات با چنان دقت و وسواسی که در ایران معمول است اجرا نمی‌گردد. نه تنها مقامات بلکه افراد عادی هم به این اصل پایبندند. «تجلی این تشریفات زاید الوصف را حتی در دیدار افراد نیز می‌توان دید (کوثری، مسعود، ۶۸-۶۷).

زیاده‌روی در تعارف

در مناسبات فردی زیاده‌روی در تعارف به چشم می‌خورد. این اخلاق ایرانیان بیش از آنکه بتوان آن را به حساب مبادی آداب بودن گذاشت ناشی از زیاده روی و افراط بود. به طوری که گاهی این تعارفات به تملق گویی و چاپلوسی منجر می‌شود. کارلاسرنا می‌گوید: ایرانی ها عاشق کپ و اختلاط هستند. این کپ زندهای طولانی مقدمه ای است برای آنکه ایرانی حرف اصلی خود را بزنند (همان، ۶۹ - ۶۸).

مواجب و مداخل

آنچه در سراسر دوره قاجاریه و به ویژه در دستگاه دولت در تمام سطوح

به چشم می‌خورد رشوه خواری و فساد مالی است به طوری که هیچ کس به آنچه از طریق درست و مشروع از شغل خود به دست می‌آورد (مواجب یا حقوق و دستمزد) بسنده نمی‌کند و حتماً باید درآمدهای غیر مشروع از طریق رشوه‌گیری یا باج‌گیری داشته باشد. حقوق مقطوع، همه درآمد نیست، شغل خوب آن است که به حق یا ناحق خرده‌پاشی هم داشته باشد. این درآمدهای غیرمستقیم را مداخل می‌نامند (کوثری، ۷۲).

۶- مردگرایی، زن گزایی: (توجه به کار، توجه به فرد)

مردگرایی و زن گزایی یکی از شاخص های مطالعه هافستد در مورد فرهنگ در (۶۰) کشور جهان است. در فرهنگ های مرد سالار، شجاعت و جسارت و رقابت جویی و توجه به مادیات، کار زیاد، درآمد، موفقیت و توفیق گزایی، ارتقاء شغل و مزایای شغلی، برتری جویی، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. برای شرکت‌ها، کسب سود و افزایش میزان آن بر همه چیز تقدم دارد و منافع سهامداران بر منافع کارکنان و مشتریان مرجح است (اشنایدر، ۶۲). در جوامع زن گرا به پرورش، کیفیت زندگی، روابط، دوستی، مشارکت و همکاری گرایش وجود دارد (فیزی، ۶).

براساس نتایج حاصل از این مطالعه شاخص مردانگی در ایران (۴۲) بوده است که از میانگین (۳۹) کشور که (۵۱) می‌باشد کمتر است. این شاخص در ژاپن (۹۵) و در اتریش (۷۹) بوده است. آمریکا نیز از کشورهای مردسالار می‌باشد. (هافستد، ۱۹۸۰، ۲۲۱) به زعم مک کلند نیز توسعه اقتصادی علاوه بر متغیرهای

اقتصادی مانند سرمایه به عامل «نیاز به کسب موفقیت» نیز نیازمند است. از ویژگی‌های افراد واجد این نیاز کوشش زیاد در انجام وظایف خود می‌باشد. براساس یافته‌های مک کلند نمره نیاز به موفقیت در ایران (۰۸-۱) بود که در مقایسه با نمره ترکیه (۱۶+۲) در حد بسیار پایینی قرار داشت (موحدی، ۱۳۸۲).

نتیجه عملی این ویژگی فرهنگی این است که از مدیران بجای رقابت‌گری، ثبات قدم، پی گیری، پیشرفت و تمرکز بر کار و کارآمدی، انتظار می رود که به نرمی و مسالمت و توجه به جنبه‌های اجتماعی توجه کنند (موحدی، ۱۳۸۲).

در پانزده سازمان صنعتی ایران کمترین میانگین بدست آمده در حوزه ارزش‌ها مربوط به متغیر تمرکز بر کار بوده است که نشانگر کم توجهی به کار و کم ارزش بودن کار در سازمان‌های ایرانی است (موحدی، ۱۳۸۲). اکثر پاسخگویان معتقدند که افراد اکثراً شرایط کار مطلوب را در حد متوسط نیز رعایت نمی‌کنند (حبیبی، ۱۳۷۷، ۱۵۵).

داشتن نوکر از جمله نمادهای تشخیص در جامعه قاجاری است. این موضوع علاوه بر اینکه از لحاظ اقتصادی حائز اهمیت بود و سبب به کار گرفتن بخش اعظمی از نیروی کار جمعیت فعال برای خدمات بیهوده می شد، خود به رواج نوعی اخلاق انجامید به نام اخلاق نوکر بایی. داشتن این همه خدم و حشم تعجب اروپاییان را برانگیخته بود: در هیچ کشوری مردمانش به اندازه ایران نوکر در خدمت نمی گیرند برای مثال، کسی را که برای برپا کردن چادر استخدام کرده باشند از گرفتن دهنه اسب امتناع می کند و بهانه‌اش این است که این رشته از خدمات به او ارتباط ندارد. پولاک می گوید: این

رسم بهترین نیروی فعال را از صحنه کار خارج کرده است (کوثری، ۷۱-۷۰).

۷- فردگرایی - جمع گرایی (رقابت- همکاری)

در جوامع فردگرا افراد به فکر خود و منافع خود هستند و خود را مستقل و بی نیاز از گروه می‌دانند. منافع فردی مهمترین و قوی‌ترین انگیزه است. در جوامع جمع گرا، گروه در مقایسه با فرد، از جایگاه برتری برخوردار است. هویت هر فرد بر اساس رابطه او با دیگران، عضویت او در یک گروه و تلاش او برای معاشرت و همکاری با دیگران مشخص می شود (اشسنايدر، ۶۴). در فرهنگ‌های فردگرا رقابت و استقلال از ارزش زیادی برخوردار است (فیزی، ۶۰).

در رویکرد اسلامی از طریق تأمین حقوق جمعی، حقوق فردی مورد توجه قرار گرفته است یعنی جمع گرایی از اهمیت بیشتری نسبت به فردگرایی برخوردار است اما به نظر می رسد در فرهنگ ایرانی ضعف هویت جمعی، تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی بطور نسبی وجود دارد.

ضعف هویت جمعی

سطح هویت جمعی در ایران، کوچک و خاص‌گرایانه است به نحوی که افراد، پای‌بند هنجارهای خاص گرایانه فامیلی و قومی خود هستند و در فعالیتهای روزمره خود منافع قومی و خویشاوندی خود را بر منافع عمومی ترجیح می دهند (حاجیانی، ۱۳۷۷: ۸۰-۷۹).

تقدم مصالح فردی بر مصالح جمعی

یکی از دلایل نهادینه شدن تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در فرهنگ

ایران، این است که در طول تاریخ ایران منافع جمعی به طور نظام مند وجود نداشته است. بلکه منافع حاکمان و گروه‌های خاص مورد توجه بوده است. دلیل عدم شکل گیری منافع جمعی، بی ثباتی اجتماعی و ناامنی برای منافع است. امنیت، ثبات و اعتمادی برای تعریف منافع جمعی و سرمایه گذاری روی آن وجود نداشت و هر کس بهترین راه را این می دید که حافظ منافع خود باشد (علی خانی، علی اکبر، ۹-۱۰۸).

عدم تمایل به مشارکت سیاسی اجتماعی

ویژگی بیگانگی افراد با نهاد دولت، یک خصلت عارضی بوده است. این ویژگی به دلیل استمرار نظامات استبدادی که بر ملت ایران تحمیل شده است، در مردم جا افتاده است. در شرایط خاص اجتماعی یا سیاسی که فرد ایرانی، در پیش روی خود چشم انداز روشن و امید بخش دیده است به سرعت آن خصلت عارضی تاریخی را رها کرده و به وادی جمع گرایی، ایثار و همکاری دم نهاده است. یکی از ویژگیهای فردی و اجتماعی ایرانیان خودمداری است. شیوه زندگی خودمدارانه به مفهوم خود محوری و تک روی است (حیدریان، ۲۲۶).

علل سیاسی فردگرایی ایرانیان

جامعه ایرانی به مفهوم دقیق کلمه از نظر نژاد، زبان و مذهب یکدست نبوده و واحدی اجتماعی- سیاسی به مفهوم ملیت ایرانی تا دوره اخیر وجود نداشته است؛ بلکه ایران قلمرویی جغرافیایی شامل گروههای اجتماعی بسیار متنوع با آداب و رسوم و عقاید متفاوتی با سه نوع زندگی ایلی- روستایی- و شهری را

در بر می گرفته است.

هر چند در مطالعات داخلی و شرق شناسان بر فردگرایی ایرانیان تأکید شده است اما در مطالعات هافستد نمره فردگرایی ایرانیان (۴۱) محاسبه شده است که در مقایسه با میانگین نمره فردگرایی (۳۹) کشور (۵۱)، نمره آمریکا (۹۱)، استرالیا (۹۰)، انگلستان (۸۹)، کانادا و هلند (۸۰)، ایران یک کشور جمع گرا محسوب می شود (هافستد، ۱۹۸۰، ۲۳۴). به نظر می رسد با توجه به حرکت های جمعی مذهبی و اقدام های خیرخواهانه جمعی ایرانیان در مواردی که جامعه از سنت های مثبت خود فاصله گرفته و یا یک روش غیربومی را بدون مقدمات قبلی وارد کرده است جنبه بارزتری از فردگرایی به چشم می خورد اما در حوزه سنت های متداول ملی جنبه بارزتری از جمع گرایی وجود دارد (موحدی، مسعود، ۱۳۸۶).

فقدان امنیت سیاسی، اجتماعی

یکی از پیش زمینه های مشارکت سیاسی فعال، وجود امنیت سیاسی، اجتماعی است که به دلایل مختلف، در طول تاریخ ایران از این مقوله کمتر نشانی به چشم می خورد. به دو دلیل مشخص، یعنی حملات مکرر خارجی و تحکیم استبداد داخلی، امنیت اجتماعی در جامعه ما متزلزل و بسیار ضعیف بوده است. از یک سو موقعیت جغرافیایی ژئوپولیتیک ایران به عنوان معبر و گذرگاه اقوام و تمدن ها، موجب شده که ایلات و چادرنشینان بیابانگرد، ضربات مهلکی بر حیات اجتماعی ما وارد کنند. که از جمله نتایج آن متزلزل شدن مالکیت فردی و امنیت سیاسی شهروندان ایرانی و به تبع آن شکل نگرفتن سازمانها و تشکلهای اجتماعی بوده است. هجمه

مکرر خارجی، ضرورت وجود دولتهای متمرکز و قوی داخلی جهت حفظ مرزهای سیاسی و ایجاد امنیت برای ساکنین این مرز و بوم را تشدید کرده که این نیز به نوبه خود خودکامی حکام و تضعیف حقوق شهروندی را به دنبال داشت. صرف نظر از صحت و سقم این دیدگاه، مردم ایران در طول تاریخ برای امنیت اهمیت بیشتری از آزادی قایل بوده اند تا آنجا که سلسله مادها به عنوان اولین حکومت در ایران، برای پاسخ گویی به این نیاز شکل گرفتند زیرا در پرتو امنیت حداقلی از عمران و آبادی قابل حصول بود. بنابراین، تاخت و تازها و لشکرکشی های مکرر مهاجمان، دغدغه آزادی را خاموش می ساخت و اسباب تشتت و نابسامانی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی را فراهم می کرد. از این رو در اندیشه ایرانی آزادی ملازم با هرج و مرج و استبداد ملازم با نظم شد و پادشاه عادل کسی بود که امنیت ایجاد می کرد.

یکی از دلایل نهادینه شدن تقدم منافع فردی بر منافع جمعی در فرهنگ ایران، این است که در طول تاریخ ایران منافع جمعی به طور نظام مند وجود نداشته است

بی اعتمادی به دولت

یکی از نشانه های ضعیف بودن فرهنگ سیاسی مشارکتی، بی اعتمادی به دولتهاست. دولت به معنی امروزی برای جامعه ما امری دور از ذهن بوده است. دولت به عنوان نیرویی مافوق تصور می شد که با زور و خشمونت سلطه می یافت تا منافع گروه یا جمعی خاص را تامین کند. لذا رابطه مردم با حکومت یا اطاعت محض از روی ترس و ذلت بوده و یا به انحاء گوناگون درصدد مقاومت و مقابله با احکام و مقررات وضع شده برآمده و حداکثر اینکه نسبت به مصالح و مقررات مربوط به دولت بی اعتنایی و بیگانگی نشان داده است. این تا حد زیادی ناشی از نامحدود بودن حوزه قدرت دولت در جامعه بود (صنیع اجلال، مریم).

متزلزل بودن حقوق فردی

در تاریخ ایران همواره آزادی و شخصیت فرد و منافع او بازیچه امیال قدرتمندان بود. می توان بسیاری از رجال عالی رتبه را نام برد که با یک تصمیم سلطان برای همیشه خانه نشین یا اعدام شدند. سرگذشت وزیرانی چون برمکیان، حسنگ وزیر، خواجه نظام الملک و صدها مورد دیگر تاییدی بر این ادعاست. مسئولیت پذیری در ایران همواره بسیار خطرناک بود که این موجب می شد تا همه حتی وزیران نیز ابراز اطاعتی بندهوار و تملق آمیز نسبت به قدرت داشته باشند و منافع فردی را بر مصالح جمعی مقدم بدارند (مفتخری، حسین، ۲۶۰-۲۴۹). اگر بین منافع فرد و منافع توده ها تضادی پدید آید کدام طرف باید گذشت کند؟ در جوامعی مانند چین و ژاپن که به جمع و به اشتراک منافع اعتقاد دارند فرد باید در برابر جامعه از حق خویش

است اما جوهره «ولایت» ارتباط نزدیک، بدون واسطه و مستحکم قلبی و ظاهری با مردم است یعنی چنانچه صاحبان قدرت مردمی نبوده و خود را تافته جدا بافته بدانند (وجود فاصله قدرت)، آنها «ولایت» نخواهند داشت.

پیامبر اکرم و امام علی همیشه در دسترس مردم بودند و اگر شرایط ایجاب می‌کرد تمام وقت در دسترس نباشند ساعاتی را برای ملاقات مستقیم مردم قرار می‌دادند. در خانه آنها باز و بدون واسطه بود و هر کسی می‌توانست مشکلش را با آنها در میان بگذارد (مکارم شیرازی، ۱۷۹). در این راستا پراکندگی جغرافیایی و دور بودن برخی از مردم از مدیران، وظیفه مدیر را در زمینه ارتباط نزدیک با این دسته از افراد منتفی نمی‌سازد. از دیدگاه امام علی: دورترین آنها همان حقی را دارد که نزدیکترین آنها دارد (شریف رضی، نامه ۵۳).

ارتباط نزدیک مدیر با نیازمندان و محرومان از اهمیت بیشتری برخوردار است: از دیدگاه امام علی بخشش و کمک به نیازمندان و بیچارگان بر حاکمان لازم است. (شریف رضی، نامه ۵۳). بنابراین با توجه به استعاره «ولایت» برای قدرت در رویکرد دینی فاصله قدرت منتفی و غیر قابل قبول است.

خدمت

هرکس احسان و نیکی کند سزاوار ریاست شود (امام علی) (۲۰). در فرهنگ اسلام ارزش خدمت به مردم همسان ارزش حج، جهاد در راه خدا و شهادت در این راه معرفی شده است و عدم تلاش و به کارگیری تمام توان و ظرفیت خود برای تأمین نیازهای دیگران خیانت به خدا و رسول او و

میان کارگران و مدیران احساس نشود. همچنین کارگران را تشویق می‌کنند تا در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت کنند و برای بهبود روش‌های کاری خود، پیشنهادهای خود را ارائه کنند. اعمال این روش ضمن آنکه روحیه کارگرومی را تقویت می‌کند جایگاه رئیس یا مدیر را تحکیم می‌بخشد. کارکنان ژاپنی بعد از کار، ساعات خود را صرف معاشرت و خوش و بش با رئیس خود می‌کنند. تا با تقویت روابط و در نتیجه تقویت روحیه خود، خواسته‌های رئیس خود را به خوبی اجرا کنند (اشنایدر، ۶۳).

در رویکرد دینی چه نگرشی نسبت به فاصله قدرت وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال مستلزم تبیین جایگاه قدرت در آموزه‌های دینی است. در این رویکرد قدرت و مدیریت با استعاره‌های ولایت، خدمت، امانت، هدایت، تکلیف و حق، آزمایش معرفی شده است. فردی که به قدرت به مثابه امانت، خدمت، تکلیف و حق، ولایت و آزمایش می‌نگرد، انگیزه او از پذیرش مسئولیت، الهی و انسانی است و رفتار او متناسب با نوع نگاه او به قدرت، دارای شاخص‌های امانت‌داری، خدمت‌گذاری و نزدیکی با مردم است و بر این اساس فاصله قدرت وجود ندارد.

ولایت

معنای اصلی ولایت قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است به گونه‌ای که فاصله‌ای در بین آن دو نباشد یعنی دو چیز چنان بهم متصل باشند که هیچ چیز در میان آنها نباشد (راغب اصفهانی، مفردات قرآن). در اسلام به جای اصطلاح «حکومت»، «ولایت» به کار برده شده است زیرا در لفظ حکومت نوعی سلطه حاکم و جدایی او از مردم نهفته

بگردد. در اجتماع فردگرایی چون آمریکا جامعه باید گذشت کند زیرا فرض بر این است که اجتماع بر شالوده حقوق فردی استوار است هم از این روست که در آمریکا هر شهروندی می‌تواند حتی دولت مرکزی را به دادگاه بکشاند (شاین، ۸۲).

۸- تردید‌گریزی

تردید‌گریزی به میزان نگرانی افراد از ابهام و ناشناخته‌ها اطلاق می‌شود (اشنایدر، ۱۳۰). فرهنگ‌هایی که از لحاظ اجتناب از عدم اطمینان قوی‌ترند علاقه‌مند هستند که آنچه مجاز است و آنچه غیر مجاز است را به طور آشکار مشخص کنند. در این مورد آلمان غربی دارای نمره بالایی است. قانون‌گرایی، نظم و وضوح و روشنی، پیامدهای تردید‌گریزی است (فیزی، ۶).

۹- فاصله قدرت

فاصله قدرت نشان می‌دهد که افراد تا چه حد می‌توانند وجود نابرابری را در توزیع قدرت در سازمانها تحمل کنند (اشنایدر، ۱۳۰). موقعیت مدیر کل در فرانسه کاملاً متفاوت از موقعیت سایر مدیران در شرکت‌های فرانسوی است اما در اروپای شمالی مدیر از جایگاه به مراتب کم اهمیت‌تر برخوردار است. مدیران تولید ژاپنی در اروپا و آمریکا همیشه موفق بودند زیرا رئیس یا مدیر تولید را می‌توان همیشه مشغول کار با کارگران دید و مثل مدیران اروپایی و آمریکایی عادت ندارند که ماشین خود را در پارکینگ ویژه پارک کنند یا در غذاخوری ویژه غذا بخورند. به علاوه در کارخانه‌های اتومبیل‌سازی ژاپنی در آمریکا و انگلیس همه (مدیران و کارگران) لباس‌های یک شکل می‌پوشند تا تفاوتی

مؤمنان و عامل ورود به دوزخ معرفی شده است:

امام صادق می فرماید: کسی که در نیاز برادر (دینی) اش قدم بردارد مانند کسی است که سعی میان صفا و مروه کند و برآورده ساختن نیاز او مانند کسی است که در روز بدر و احد در راه خدا به خون خود غلطیده است (ابی محمدحسن، ۵۰) و هر کس از یاران ما که یکی از برادرانش در حاجتی از او کمک بخواهد و او با تمام توان در راه آن نکوشد به خدا و رسول او و مؤمنین خیانت کرده است (کلینی، ۳، ۴) ائمه اطهار (ع) خود همواره درصدد خدمت به مردم بودند و حتی به منظور خدمت به مردم همکاری با خلفای ظالم و غاصب را نیز تجویز می کردند:

امام سجاد برای سفر حج با قافله ای سفر نمود که او را شناساند تا بتواند خدمتگذار آنها باشد و پس از اینکه آنها وی را شناختند فرمود اگر با قافله ای مسافرت کنم که مرا می شناسد نمی گذارند به اهل قافله خدمت کنم (مطهری، الف، ۱۱۲) هر چند که ائمه (ع) مخالفت شدیدی با خلفا داشتند اما در مواردی همکاری با آنان را تشویق و تجویز می کردند و در جایی که همکاری با خلفای ظالم به نفع جامعه اسلامی و اهداف اسلامی باشد آن را جائز می دانند. قرآن و فقه ما نیز اجازه می دهد. از نظر فقه شیعه ولایت جائز یعنی قبول پست از حاکم ظالم حرام است اما در مواردی مستحب و یا واجب است برای مثال اگر امر به معروف و نهی از منکر مستلزم قبول پست از ظالم باشد پذیرش آن واجب است (همان، ۲۱۳).

بنابراین قدرت و مقام یک فرصت برای خدمت به مردم به منظور حل مشکلات، تأمین نیازها و کسب رضایت

تعبیر کرده اند: به من گزارشی رسیده که اگر درست باشد خدای خود را خشمگین ساخته و امام خود را نافرمانی کرده ای (شریف رضی، نامه ۴۰).

منابع انسانی و مادی و نیز اهداف سازمانی و آرمان های اجتماعی امانتهایی هستند که از سوی خدا و مردم به مدیران سپرده شده است که مدیران اولاً باید ارزش و اهمیت آن را درک کنند و ثانیاً آن را به درستی حفظ کنند و ثالثاً هر گاه قادر به حفظ و ادای حق آن نبودند آن را به صاحبان اصلی آن بازگردانند زیرا حفظ و ادای امانت واجب و خیانت به آن حرام است. از دیدگاه امام علی بزرگترین خیانت، خیانت به مردم و بزرگترین نیرنگ برای مردم نیرنگ با امام است.

نگرش مقابل «امانت» دانستن قدرت، «طعمه» دانستن آن است. امام علی خطاب به یکی از کارگزاران خود می فرماید مسئولیت و مقام تو طعمه ای برای تو نیست بلکه امانتی است بر گردن تو. (شریف رضی، نامه ۵) طعمه دانستن قدرت بدین معنا است که مدیران به جای حفظ و ادای حق مسئولیت خود، درصدد بهره گیری و استفاده از مقام خود باشند یعنی به جای بهره مند ساختن جامعه و مردم به فکر بهره مندی خود باشند. بنابراین بر اساس استعاره امانت نیز فاصله قدرت در رویکرد منتفی است.

هدایت

فرستاده ای از خود شما به سوی شما آمده که رنج شما بر او سخت است و بر هدایت شما حریص است و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است (سوره توبه، آیه ۱۲۸).

یکی از وجوه تمایز نگرش به قدرت

آنان است. مدیر خدمتگذار و نه رئیس و سرور آنان است و مدیران با فروتنی و به دور از خود برتربینی و سوء استفاده از مقام خود- بر اساس هرم معکوس مدیریت- باید در خدمت مردم باشند. بر این اساس نیز در رویکرد دینی فاصله قدرت منتفی است.

امانت

پست و مقام امانت است و آن، روز قیامت خواری و پشیمانی است مگر کسی که آن را به حق کسب کند و وظایف خود را که لازمه آن است به خوبی انجام دهد (پیامبر اکرم).

امانت چیزی است که نزد دیگری سپرده می شود تا آن را حفظ کند و سپس آن را به او بازگرداند. از دیدگاه اسلام امانت داری و وظیفه ای بسیار مهم و سنگین معرفی شده است: امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه عرضه کردیم و آنها از پذیرش آن امتناع کردند و از آن ترسیدند و انسان آن را پذیرفت. در این آیه اهمیت امانت بطور نمادین به عنوان بار سنگینی معرفی شده است که حتی آسمان ها و زمین و کوه ها با آن عظمت و بزرگی قادر به تحمل و پذیرش آن نیستند اما انسان به علت ظرفیت و استعداد های وجودی خود قادر به پذیرش آن است. بنابراین امانت داری و وظیفه ای بسیار مهم است که حتی در مورد کافران نیز باید آن را رعایت کرد. امام سجاد (ع) می فرماید اگر قاتلان حسین (ع) شمشیری را که با آن می خواستند حسین بن علی (ع) را به شهادت برسانند نزد من امانت می گذاشتند من امانت آنان را باز می گردانم.

امام علی در نامه ای به کارگزاران خود از قدرت و مدیریت با عنوان «امانت»

و فلسفه قدرت در رویکرد دینی با سایر رویکردها این است که در این رویکرد علاوه بر توجه به طیف افقی انسان مداری- تولید مداری به یک طیف عمودی بین دنیا (زندگی مادی) و آخرت (زندگی معنوی) نیز توجه می شود.

این رویکرد علاوه بر اینکه تولید حداکثر و انسان مداری حداکثر را مورد توجه قرار می دهد، به رفاه در زندگی مادی و سعادت در زندگی اخروی نیز در سطح حداکثری توجه می کند. از این رو علاوه بر تولید مداری و انسان مداری- که آن نیز در راستای تولید مداری مورد توجه قرار گرفته است - باید به کارکنان به عنوان یک انسان نگرینست که هدف غایی او آخرت است و حرکت او را در مسیر سعادت اخروی تسهیل نمود و موانع را از مسیر او برطرف ساخت یعنی مدیر علاوه بر اینکه از تمام ظرفیت او برای حداکثر تولید استفاده می کند باید در قبال او در نقش مربی، معلم و پدری دلسوز عمل نموده و چنان بر هدایت آنها حریص باشد که از غم و اندوه ناشی از رویگردانی و انحراف مردم، نزدیک باشد که جان او به لب آید. خداوند به پیامبر اکرم می فرماید: مگر می خواهی خود را از اندوه اینکه چرا به این کلام ایمان نیاورده اند هلاک سازی (سوره کهف، آیه ۶).

رغبت و دلسوزی پیامبر اکرم برای هدایت مردم بسان پزشکی بود که خود نزد بیماران می رفت و مرهم های او محکم و داغ کردن های او نیز به جا بود. (شریف رضی، خ ۱۰۷) هنگامی که پیامبر اکرم امام علی را روانه یمن می کرد به وی فرمود: اگر خداوند به وسیله تو یک نفر را هدایت کند برای تو از دنیا و آنچه در آن است بهتر است (حکیمی، محمدرضا، ج ۱، ۴۲۶) زیرا کسی که یک

انسان را زنده سازد مانند این است که تمام انسانهای روی زمین را زنده کرده باشد (سوره مائده، آیه ۳۲) بر اساس برخی روایات این آیه شامل هدایت (نجات روحی) انسان نیز می شود یعنی پاداش هدایت یک انسان به اندازه پاداش هدایت تمام انسانهای روی زمین است. از سوی دیگر بر اساس آموزه های اسلام فرد هادی در ثواب تمام کارهای نیک فرد هدایت شونده سهیم است.

یکی از مهمترین فلسفه های حکومت و مدیریت در اسلام، استفاده از قدرت برای حفظ دین و هدایت مردم از این طریق است. امام علی می فرماید سوگند به خداوند در فکرم می گذشت و نه در خاطر من آمد که عرب خلافت را پس از رسول خدا (ص) از اهل بیت او بگرداند یا مرا پس از عهده دار شدن حکومت باز دارند تنها چیزی که نگرانم کرد شتافتن مردم بسوی فلان شخص بود که با او بیعت کردند من دست باز کشیدم تا جایی که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می خواهند دین محمد را نابود سازند پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم رخنه ای در آن ببینم یا شاهد نابودی آن باشم که مصیبت آن سخت تر از رها کردن حکومت بر شماست که کالای چند روزه دنیا است و روزی، ایام آن می گذرد چنان که سراب ناپدید شود و یا چون پاره ای ابر که زود پراکنده می شود پس در میان آن آشوب بپا خاستم تا اینکه باطل از بین رفت و دین استقرار یافته، آرام شد (شریف رضی، نامه ۶۲).

در جوامع دارای فاصله قدرت بالا کسب قدرت بسیار مهم بوده و صاحبان قدرت از امتیازات خاص برخوردارند و مدیران به استبداد گرایش دارند (هافستد، ۱۹۸۰، ۱۰۴) در ایران فاصله قدرت زیاد است شاخص فاصله قدرت

در ایران ۵۸ است که از میانگین فاصله قدرت در ۳۹ کشور (۵۱) بالاتر است. در جوامع با فاصله قدرت بالا بی اعتمادی و بدبینی به دیگران مورد انتظار است (همان، ۱۱۹). باتسن و همکارانش بدگمانی را خصوصیت فراگیر ایرانیان می دانند (چلیبی، ۱۳۸۱، ۲۶).

جوهره فرهنگ ایرانی در طول تاریخ را می توان استبداد دانست که در تمام عرصه های فردی و اجتماعی، حضور و تأثیر جدی داشته است و کامل ترین نمود آن در حوزه سیاست و حکومت بوده است.

از جمله دلایل استبداد در فرهنگ ایران این است حاکمان، مستبد بودند و ساختار سیاسی بر مبنای استبداد بنا شده بود و رؤسای قبایل و طوایف در حیطه نفوذ خود یک مستبد تمام عیار بودند این امر موجب می شد استبداد اندک اندک علل و زمینه های روانی، فردی و خانوادگی پیدا کند و در تار و پود اندیشه و فرهنگ مردم نهادینه شود.

یکی دیگر از دلایل استبداد در فرهنگ ایران، کارگر بودن این روش است. ساده ترین راه برای رسیدن به اهداف، استبداد است ولی هیچ گاه بهترین نیست و چه بسا در دراز مدت آثار زیان باری در پی داشته باشد. رایج ترین نوع این شیوه در خانواده های ایرانی، ساکت کردن کودکان یا برخورد با آنان است. قانع کردن کودک برای واداشتن او به انجام کاری، بسیار دشوار است، در حالی که از فریاد زدن بر سر او تا اعمال تنبیهات بدنی و غیربدنی، مشکل عجاتاً حل می شود و نطفه های استبداد در وجود ایرانیان از همین جا شکل می گیرد. دلیل کارگر بودن این شیوه، ضعف عقلانیت و آینده نگری است.

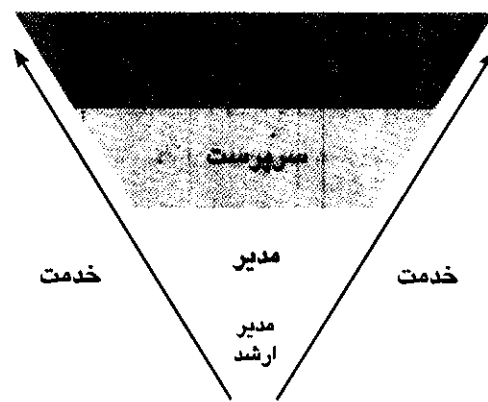
اولین پیامد استبداد ذلت و خواری فردی و جمعی است که در افرادی که مورد استبداد قرار می‌گیرند، پدید می‌آید. ذلت و خواری موجب زوال شخصیت والا و عزت نفس فرد می‌شود و این عدم رشد و شکوفایی استعدادها و نبوغ افراد را به دنبال دارد و روشن است که عدم رشد و شکوفایی استعدادها و خلاقیتها، نتیجه‌ای جز عقب‌ماندگی ندارد.

دیکتاتورگرایی

دیکتاتوری ارتباط تنگاتنگی با استبداد دارد. اگر بتوان استبداد را یک روحیه و منش خاص در درون افراد دانست، تجلی این روحیه در قالب نظامهای سیاسی دیکتاتوری خواهد بود، منظور از دیکتاتورگرایی وجود روحیه دیکتاتورپروری و دیکتاتورخواهی است. یکی از دلایل دیکتاتورگرایی در فرهنگ ایران، کارایی دیکتاتوری در از بین بردن هرج و مرج و تأمین امنیت است. ملت ایران همیشه از زورگویی یاغیان، خوانین و قلدان از یکسو، و حملات خارجی یا آشوبهای داخلی برای برانداختن یک سلسله پادشاهی و بنای سلسله‌ای دیگر، در رنج و عذاب بوده و هزینه‌های مالی و جانی طاقت‌فرسایی تحمل کرده است. در این بحبوحه نامنی و بی‌ثباتی، کارآترین عاملی که می‌توانست زورگویان و باج‌گیران را سر جایشان بنشانند و فتنه را بخواباند، دیکتاتوری و پادشاهان سفاک و دیکتاتور بوده‌اند (علیخانی، علی‌اکبر، ۷-۱۰۳).

ساخت قدرت در ایران به استثنای مقاطعی کوتاه از تاریخ آن، استبدادی و غیرانتخابی بوده است. حساسیت

شکل شماره (۲). هرم معکوس مدیریت



است یعنی انجام چند کار به طور همزمان عیبی ندارد (شاین، ۸۶). در فرهنگ های آنگلو ساکسون و اروپای شمالی، زمان محدود است، زمان مثل پول منبعی محدود به شمار می رود که مصرف می شود و به پایان می رسد. در این فرهنگ ها، زمان یک بعدی محسوب می شود که از ساختاری خطی برخوردار است و ابتدا و انتهای دارد. تنها حرکت رو به جلو میسر است

و حرکت به سمت عقب امکان ناپذیر است. مدیرانی که در این کشورها رشد و پرورش یافته و آموزش دیده‌اند، برای ساعات خود برنامه‌ریزی می‌کنند و از کمترین زمان نیز استفاده می‌کنند. این مدیران وسواس عجیبی دارند که جلسات خود را دقیقاً سر موعده آغاز کنند و از زمان به بهترین و مؤثرترین شکل استفاده کنند. در فرهنگ های آمریکای لاتین و خاورمیانه، زمان ماهیتی نامحدود و غیر متوالی به شمار می رود، یا اصطلاحاً چند بعدی است. مدیران این کشورها معتقدند که زمان برای انجام کامل کارها کافی است و می توان در یک زمان چند کار را با هم انجام داد. از آنجا که آنها معتقدند زمان قابل گسترش و کافی است، دیر سر قرار ملاقات حاضر می شوند.

نگرش فرهنگ های مختلف به زمان، از نظر میزان نسبی اهمیتی که افراد برای گذشته، حال و آینده قائلند نیز متفاوت است. مثلاً آمریکایی ها خیلی دوست دارند که بگویند «کاری است که شده» این جمله به معنای آن است که در خصوص آنچه که در گذشته اتفاق افتاده است نباید نگران و ناراحت باشید حتی اهمیت رویدادهای جاری در مقایسه با رویدادهای آینده پایین تر است. مدیران

انگیزشی و جمعی ملت ایران در داشتن حصه‌ای از قدرت به دلیل فقدان توزیع قدرت، کمتر ارضا شده است. این میل، سرکوب شده و در ضمیر ناخودآگاه فردی و جمعی و گروهی بر مبنای نظریه‌های فروید، یونگ و فروم مستقر می‌گردد. با مسدود گشتن بروز هشیار و مستقیم مبنای نظریه‌های فروید، یونگ و فروم مستقر می‌گردد. با مسدود گشتن بروز هشیار و مستقیم این امیال و خواسته‌های تعمیق یافته و بازداشته شده، مفری ناهشیار و غیرمستقیم برای تخلیه می‌جویند و در عین توسعه منفی‌بافی در رفتارهای خود مفرهای جابه‌جا شده می‌جویند و برای یافتن منفذی برای برون‌ریزی و تخلیه هیجانی منتظر باقی می‌مانند (جلالی، محمدرضا، ۸-۳۹۷).

۱۰ - نگرش به زمان (خطی - چرخشی)

تفاوت فرهنگ ها از نظر نگرش به زمان بستگی به تلقی آنها از خطی بودن این منبع دارد. خطی بودن زمان یعنی عمر رفته بر نمی‌گردد. یعنی وقت طلاست و باید با دقت مصرف شود یعنی در هر برهه فقط یک کار می‌تواند صورت بندد لذا تقویم و دفترچه قرار ملاقات درست می‌کنیم. در فرهنگ های دیگر وقت تناوبی

آسیایی و اروپایی همواره گله می‌کنند که آمریکاییها بیش از حد تحمل ناشکیبا و عجولند. بر عکس در اروپا و آسیا تأکید بیشتری برای گذشته و تاریخ قائل می‌شوند و اهمیت بیشتری به سنت‌ها می‌دهند (اشنایدر، -۶۸۷۰). در رویکرد دینی زمان و مدیریت آن از چه اهمیتی برخوردار است و آیا نگرش افقی مورد تأیید است یا نگرش چرخشی؟

اهمیت زمان و مدیریت زمان

چه زود می‌گذرد ساعتها در روز و روزها در ماه و ماه‌ها در سال و سالها در عمر. «امام علی (ع)». (محمدی ری شهری، ۶، ۵۳۹)

برای آگاهی از ارزش و اهمیت زمان آیا بهتر است آن را با سایر پدیده‌های ارزشمند مانند ثروت مقایسه کرد یا ماهیت آنرا مورد بررسی قرار داد؟ در این بخش ابتدا رویکرد اول مورد توجه قرار گرفته و سپس به ماهیت آن به عنوان رویکرد دوم پرداخته می‌شود.

۱- زمان از ثروت با ارزش‌تر است هنگامی که زمان به سرآید امکانات سودی ندارد. «امام علی(ع)» (آمدی، ۶، ۴۱۲) آیا اصطلاح «وقت طلاست» تبیین‌کننده ارزش واقعی زمان است؟ اگر از زمان به طور بهینه استفاده شود ارزشمندترین پدیده‌ها و گوه‌های جهان بدست می‌آید اما اگر زمان از دست رفت و عمر به سر آمد، حتی یک ثانیه از آن را نمی‌توان در قبال با ارزش‌ترین گوه‌های جهان بدست آورد.

از دیدگاه امام علی باقیمانده عمر قابل ارزش‌گذاری نیست زیرا با استفاده از آن می‌توان امور از دست رفته را جبران کرد. (مجموعه ورام، ۱، ۲۶) انجام

کار نیک توسط هر فرد در باقیمانده زمان (عمر) خود، موجب می‌شود برای گناهان گذشته مواخذه نشود و از سوی دیگر ارتکاب گناه در باقی مانده عمر موجب بازخواست او در مورد اعمال سراسر عمرش می‌شود. (محمدی ری شهری، ۶، ۵۳۹) از دیدگاه امام علی (ع) استفاده از زمان (عمر) خود در راه طاعت خدا کابین سعادت است. (آمدی، ۲، ۴۹۹) بنابراین باید نسبت به چگونگی استفاده از عمر و زمان خود، بخیل تر از ثروت خود بود (محمدی ری شهری، ۶، ۵۳۹).

زمان از ثروت ارزشمندتر است زیرا از دست دادن ثروت قابل جبران است اما زمان از دست رفته قابل بازگشت و جبران نیست. زمان را نمی‌توان تولید کرد. اگر از یک ساعت یا یک دقیقه از وقت بیشترین بهره گرفته نشود، فرصتی دوباره برای تجدید حیات آن در همان لحظه نخواهد بود حتی اگر بتوان آن کار را در زمان دیگری انجام داد. در واقع به جای آنکه در آن زمان به دو هدف دست یابید در آن زمان یک هدف تحقق یافته است و بازدهی شما نصف زمانی خواهد بود که وقت دوم خود را به انجام کار دیگری اختصاص داده بودید (اوهایزر، ۱۶).

یک مفتول آهن را که هزار ریال قیمت دارد اگر به نعل اسب تبدیل کنیم، ارزش آن سیصد یا چهارصد ریال خواهد شد، اما اگر آن را در یک کارخانه ساعت‌سازی به فنرهای ساعت تبدیل کنیم ارزش آن چند میلیون ریال می‌شود. وقت ما نیز مانند مفتول آهن است و ارزش آن به نوع کارهایی بستگی دارد که در آن انجام می‌دهیم (سروش، ۸).

۲- سیر نزولی زمان

زیانکار کسی است که در عمر (زمان)

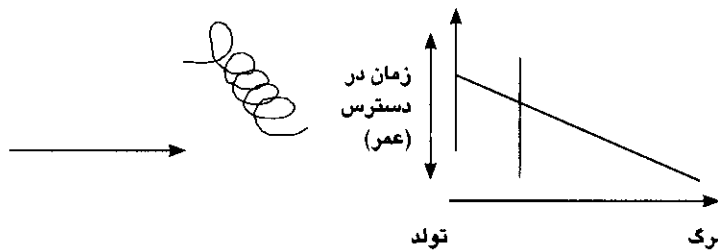
خود زیان کند. «امام علی(ع)» (آمدی، ۲۰، ۵۲۵) درباره زمان سه نوع نگرش افقی، چرخشی و نزولی می‌توان تصور کرد. در شکل (۱) «سیر افقی»، زمان برگشت‌پذیر و جبران پذیر نیست و هر لحظه از زمان با لحظه بعد متفاوت است و ظرف خاص خود را دارد. اما در «نگرش چرخشی» زمان برگشت‌پذیر و جبران‌پذیر است و هر لحظه از زمان دارای ظرف زمانی خاص خود نیست.

بر اساس روایات هر روز و شب ماهیتی متمایز از سایر روز و شب‌ها دارد یعنی قطعات زمانی مشابه یکدیگر نیستند. این حقیقت به صورت نمادین این گونه بیان شده است: امام صادق می‌فرماید هر روز و شب که می‌رسد به انسان می‌گوید من روز و شب جدیدی هستم و من بر تو گواه هستم پس با من به خوبی رفتار کن و در من کار خوب انجام بده تا روز قیامت برای تو شهادت دهم زیرا تو بعد از این مرا هرگز نخواهی دید. (مجلسی، ۷، ۳۲۵) در این حدیث ظرف زمانی خاص برای هر قطعه زمانی و ماهیت متفاوت آن از سایر زمانها و برگشت ناپذیری و جبران ناپذیری زمان به خوبی بیان شده است.

امام علی می‌فرماید برای هر «لحظه» پایانی است. (خوانساری، حدیث ۳۱۱۹) و پایان ساعتها نشانه‌ای از پایان عمر است. (همان، ۳۱۱۲) و زمانهای تو اجزای عمر تو هستند (آمدی، ۲، ۶۰۷).

از زمان تولد شمارش معکوس برای زمان (عمر) هر فرد آغاز می‌شود، به گونه‌ای که با هر نفس، با گذشت ساعت و روز، یک قدم بسوی مرگ بر می‌دارد و بخشی از عمر (زمان) وی کاهش می‌یابد. هر سال شامل حدودی سی و یک و نیم میلیون ثانیه است که با فرض ۱۵

شکل شماره (۱) انواع نگرش به زمان



نگرش افقی به زمان

ابوالقاسم، ج ۲، ۴۴۳) مگر اینکه ما نیز با آنها رفتار متقابل کنیم یعنی همانطور که آنها بر روی ما کار می‌کنند ما نیز در آنها کار کنیم و با رفتار خوب خود آنها را ماندگار سازیم. در غیر اینصورت حتی شایسته است که برای زمان از دست رفته گریست چرا که گریه برای زمان از دست رفته نشانه بزرگی (کرامت) انسان است. (کلینی، ۷۴، ۲۶۴) خداوند به زمان سوگند یاد نموده است و این بیانگر اهمیت آن است: قسم به زمان، انسان در زیان است مگر کسانی که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و به حق و صبر توصیه کنند. (کلینی، ۷۴، ۲۶۴) می‌توان گفت براساس این آیات انسان با گذشت زمان در حال زیان است یعنی گذشت زمان او را به مرگ نزدیک می‌سازد مگر اینکه انسان با ایمان و عمل صالح خود و رفتار مبتنی بر حق و توصیه به صبر، از زیان به خوبی استفاده کند.

۳- محدودیت زمان

مدیران باید به زمان به عنوان یک منبع که همچون سایر منابع محدودیت دارد، توجه کنند و به عنوان یک عامل ارزش افزوده، از آن استفاده بهینه نمایند. از دیدگاه امام علی (ع) عمر شامل نفس‌هائی (لحظاتی) محدود است. (محمدی ری شهری، ۶، ۵۲۸) و زمان در

نگرش چرخشی به زمان

مرتب در حال ورق خوردن است. امام علی می‌فرماید روزها صفحه‌های مدت معین زمان (عمر) هستند که با رفتار خوب ماندگار می‌شوند. (همان، ۲، ۱۲۰) و عمر هر فرد شامل تعداد معدودی روز است و هر روز که می‌گذرد بخشی از وجود و هستی او را نیز با خود می‌برد. (همان، ۲، ۷۷) بنابراین به فرموده امام علی (ع) همانطور که شب و روز همواره در حال فعالیت برای کاهش عمر انسان هستند (از وجود و هستی او می‌کاهند) انسان نیز باید تلاش کند از آنها بهره بگیرد. (همان، ۲، ۶۶۷) از دیدگاه امام علی از آنجا که شب و روز به سرعت در حال نابودی عمر (زمان) انسان هستند. (همان، ۲، ۵۰۷) و گذشت هر روز منجر به کاهش عمر و زندگی انسان می‌شود. (محمدی ری شهری، ۶، ۵۷) و با رفت و آمد شب و روز عمر بقایی نخواهد داشت. (آمدی، ۶، ۳۹۶) و اینکه بر عمر هیچ کس روزی اضافه نمی‌شود مگر اینکه روزی از مدت زندگی (عمر) او کاسته می‌شود. (محمدی ری شهری، ۶، ۵۲۸) و شب و روز همچون مرکبی در حال حرکت و انتقال فرد بسوی اجل او می‌باشند هر چند او در حال سکون باشد. (آمدی، ۲، ۵۲۶) به فرموده پیامبر اکرم نباید با گذشت هر روز از عمر و کاسته شدن از عمر چندان شادمان بود. (پاینده،

بار نفس کشیدن در هر دقیقه، هر فرد در طول یکسال حدود هفت و نیم میلیون بار نفس می‌کشد که با این حساب یک فرد هشتادساله حدود دو و نیم میلیارد ثانیه را پشت سر گذاشته و حدود ششصد و سی میلیون بار نفس کشیده است یعنی با احتساب عمر هشتاد ساله با گذشت هر ثانیه و با هر بار نفس کشیدن از مجموع عمر و زمان ما می‌گذرد.

از دیدگاه امام علی (ع) با گذشت هر ثانیه (لحظه)، عمر نیز به همان میزان کاهش می‌یابد. (آمدی، ۲، ۵۲۳) و عمر (زمان) هر فرد به تعداد نفس‌های محدود اوست. (همان، ۵۰۰) و نفس‌های هر فرد اجزای عمر اوست. (همان، ۴۹۹) و گذشت هر لحظه موجب فزونی بخشی از عمر می‌شود. (آمدی، ۱، ۹۲) و در هر نفس کشیدن مرگ است. (خوانساری، حدیث ۲۰۹۷) یعنی نفس‌های هر فرد قدم‌های اوست به سوی مرگ (کلینی، ۷۳، ۱۲۸).

از امام صادق (ع) در مورد آیه (انما نعد لهم عدا) سوال شد، فرمود از نظر شما مفهوم آن چیست گفته شد (روزهای عمر آنان را می‌شماریم) ایشان فرمودند پدران و مادران، عمر را با شمارش روزها اندازه می‌گیرند اما خداوند حساب عمر افراد را با تعداد نفس‌های آنان اندازه‌گیری می‌کند. (همان، ۳، ۲۵۹) بنابراین واحد زمان لحظه، ثانیه و نفس است نه دقیقه، ساعت و روز یعنی باید تلاش نمود که نه تنها از دقائق، ساعات و روز خود بلکه از هر لحظه و ثانیه عمر (زمان) خود استفاده بهینه کرد.

از دیدگاه امام علی با گذشت هر ساعت بخشی از عمر نیز می‌گذرد. (آمدی، ۶۸۲) و گذشت ساعات موجب نابودی و اتمام عمر می‌شود. (همان، ۲، ۱۱۵) روز و شب صفحه‌هایی از کتاب عمر است که

دنیا کوتاهه. (آمدی، ترجمه انصاری، ۱۰۵) و رو به اتمام است (همان، ۵۴۹).

۴ - سرعت گذشت زمان

نزدیک‌ترین چیز اجل است. «امام علی(ع)» (محمدی ری شهری، ۱، ۲۶) زمان به سرعت در حال گذر است. با همان سرعتی که روزها شب و شب ها روز می‌شود و امروز می‌گذرد و فردا می‌آید، جوانی نیز می‌گذرد و دوران پیری می‌رسد و دوران پیری نیز به اتمام می‌رسد و زمان مرگ فرا می‌رسد و با همین سرعت دنیا به آخرت پیوند می‌خورد.

امام علی می‌فرماید چه زود می‌گذرد ساعت‌ها در روزها و روزها در ماه‌ها و ماه‌ها در سال و سال‌ها در عمر. (آمدی، ۶، ۹۱) و دنیا مانند روزی است که برود و ماهی است که سر آید. (آمدی، ترجمه انصاری، ۷۵۴) و دنیا به رفتن و جوانی به پیری بسیار نزدیک است. (همان، ۷۵۴) و از دیدگاه امام صادق (ع) همه عمر انسان در دنیا، ساعتی بیش نیست (کلینی، ۲، ۴۵۲).

۵ - غیرقابل جبران و بازگشت بودن زمان

برخلاف نگرش چرخشی، زمان برگشت پذیر نیست، هر لحظه از زمان ماهیتی متفاوت از لحظه بعد دارد. چنانچه کاری در ظرف زمانی خاص خود انجام نشود، انجام آن در زمانی دیگر موجب می‌شود از کارهای خاص آن زمان باز ماند و این چرخه معیوب استمرار پیدا می‌کند.

اهل دوزخ از درون آتش فریاد زنند که پروردگارا ما را بیرون آور تا کارهای شایسته، غیر آنچه می‌کردیم انجام دهیم. پاسخ می‌آید که آیا به اندازه

کافی به شما عمر (زمان) نداده بودیم که پند گیرید پس بچشید. ستمکاران را یآوری نیست. (سوره فرقان، آیه ۲۲-۱۲) از دیدگاه امام علی آنچه دیروز از عمر گذشت امروز نمی‌توان آن را بازگرداند (آمدی، ۴، ۵۲۰).

۶ - ابهام در زمان آینده

هیچ کس از آینده خود - حتی یک لحظه بعد - آگاه نیست و هیچ کس نمی‌تواند برای آینده، آن را ضمانت کند لذا امکان دارد سیر نزولی زمان در هر نقطه‌ای قطع شده و زمان به اتمام برسد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید عوامل متعدد مرگ (نود و نه عامل) اطراف انسان رافرا گرفته‌اند و اگر فرد از میان آنها به سلامت جان گذر کند، به سن پیری می‌رسد. (محمدی ری شهری، ۱۴، ۶۶۵۸) و از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) انسان میان دو روز است روزی که گذشته و اعمال او به حساب آمده و روزی که باقی مانده است. اما چه می‌داند شاید به آن روز نرسد (پانیز، ابوالقاسم، ۱۰).

۷ - هدف بزرگ، راه طولانی و زمان محدود

یکی از مهمترین فلسفه‌های اهمیت زمان و مدیریت زمان، عظمت و بزرگی هدف انسان و راه طولانی که باید برای رسیدن به آن طی شود و زمان محدودی است که برای طی کردن این راه موجود است. به همان اندازه ای که از زمان به طور بهینه استفاده نشود، راه کمتری طی می‌شود و هدف ناتمام می‌ماند. امام علی(ع) می‌فرماید پیش روی تو راهی طولانی و سخت (راه آخرت) قرار دارد و تو در آن نیازمند توشه هستی. (آمدی، ۲، ۵۳۶) پس هیچ کاری تو را از عمل برای آخرت باز ندارد، زیرا زمان کوتاه است (آمدی، ۶، ۲۸۹).

از این رو در هنگام مرگ تنها چیزی که هر فرد در اندیشه آن است «نحوه استفاده او از زمان و عمر گذشته» است. امام علی (ع) می‌فرماید: در هنگام مرگ دست و پاهایشان به سستی می‌گراید و رنگ رخسارشان بر می‌گردد سپس مرگ به وجود آنان بیشتر نفوذ می‌کند و هر یک از آنان را از سخن می‌اندازد و در میان اعضای خانواده اش با چشم خود می‌بیند و با گوشش می‌شنود و خردش صحیح و سالم است و عقلش به جاست و به این می‌اندیشد که عمرش را در چه راه صرف کرده و روزگارش را چگونه گذرانده و به یاد می‌آورد اموالی را که گرد آورده و در به دست آوردن آنها چشمش را برهم نهاده (و به حلال و حرام توجه نکرده) و از موارد آشکار و شبه‌ناک بر گرفته و به دست آورده است و تبعات و گناهان گردآوری آن‌ها، دامگیرش شده و اینک در آستانه جدا شدن از آنهاست و این اموال برای بازماندگانش باقی می‌ماند که با آنها متعمم می‌شوند و خوشگذرانی می‌کنند و بدین ترتیب برای دیگران ثروتی باد آورده است و بار گناهش بر دوش او قرار دارد و تار و پود وجودش به این اموال بسته شده است. پس به سبب آن چه در این هنگام برایش آشکار شده، پشیمان گشته دست به دندان می‌گذارد و به آن چه در هنگام زندگانش رغبت داشته بی‌میل می‌شود و آرزو می‌کند که ای کاش آن کس که حسرت او را می‌خورد و به سبب این اموال بر او حسادت می‌ورزید آنها را گرد آورده بود نه او! پس مرگ همچنان در پیکر او پیش رود تا این که گوش او نیز همچون زبانش از شنیدن باز ماند و در میان اعضای خانواده خویش افتد در حالی که نه با زبانش سخنی گوید

و نه با گوشش بشنود. فقط نگاهش را بر چهره های آنان می گرداند و حرکات زبانهایشان را می بیند ولی سخن آنها را نمی شنود. آنگاه مرگ نزدیکتر می شود و چشمش نیز از دیدن باز می ماند و روح از بدنش خارج می گردد و در میان افراد خانواده اش به مرداری تبدیل می شود (شریف رضی، خ ۱۰۹).

از این رو توجه ویژه به زمان و فرصت و غنیمت شمردن آن یعنی استفاده بهینه از آن یکی از ویژگی های اهل تقوا معرفی شده است. امام علی (ع) غنیمت شمردن فرصت (زمان) را در کنار اخلاص عمل و کوتاه کردن آرزو از ویژگی های اهل تقوا معرفی کرده اند. (آمدی، ۵، ۴۷) از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) زمان (فراغت) و سلامتی دو نعمتی هستند که ناسپاسی می شوند و ارزش آنها بدرستی درک نمی شود. (محمدی ری شهری، حدیث ۲۰۳۶۸) و دو نعمتی است که بسیاری از مردم از این طریق آزموده می شوند (همان).

مبارک بودن و شوم بودن ساعات و روزها

به شب و روز و ساعات دشنام ندهید که گناهکار خواهید بود و دشنامتان به خودتان باز می گردد. «یامبراکرم (ص)» (۱۷۳)

شوم بودن یک روز یا زمان خاص به این معناست که حوادث و کارهایی که در آن زمان انجام می شود بدی بدنبال دارد. شومی و مبارکی روزها در اثر اتفاقاتی است که در آنها به وقوع می پیوندد و گذشت زمان نمی تواند به شومی و برکت توصیف شود. علت اینکه شب قدر بهتر از هزار ماه است این است که قرآن در آن نازل شده است و تقدیرهای سالانه در آن شب انجام می شود و روز نحس

و ولایت خود را نسبت به امامان خود خالص گردان و آنگاه هر جا که خواستی برو و هر چه خواستی انجام بده. سپس به او دستور می دهند که قرآن تلاوت کند یا دعا نماید تا نحوست آن روز را از خود دور کند و دنبال هر کاری که می خواهد برود. (۱۷۷) امام صادق (ع) به فردی که برای انجام هر کار خود به کتب ستاره شناسی خود مراجعه می کرد فرمودند: کتابهایت را بسوزان (۱۷۸).

در روایات، «صدقه»، «توکل» و «توسل به امامان معصوم» به عنوان عوامل برطرف کننده نحوست روزها معرفی شده اند. امام صادق (ع) می فرماید در آغاز روز و شب صدقه بده تا خداوند شومی آن روز و شب را از تو دور کند (۱۷۹) و امام علی (ع) می فرماید روز را با بسم الله و لا حول ولا قوه الا بالله شروع کن و نام ما را یاد کن و بر ما درود فرست و به خدا پناه ببر و از این طریق از خود و آنچه مربوط به توست، بدی آن روز را دفع کن. (۱۸۰) خداوند به وسیله ما (باب رحمت) را گشود و آن را به ما ختم می کند و آنچه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد ثابت می کند و بواسطه ما روزگار گزنده را دفع می کند و باران را بخاطر ما نازل می کند پس توجه کنید و از ما به سوی دیگران متوجه نشوید (۱۸۱).

امام علی (ع) به فرد ستاره شناسی که او را از حرکت برای شرکت در جنگ خوارج نهی کرد فرمود آیا خیال می کنی می توانی ساعتی را نشان دهی که هر کس در آن ساعت سفر کند بلا از او دور شود و ساعتی که دچار ضرر و زیان شود؟ کسی که تو را تصدیق کند قرآن را تکذیب کرده و خود را برای رسیدن به امور مطلوب و رفع امور ناخوشایند از یاری خدا بی نیاز نشان داده است و

قوم عاد (۱۷۴) به علت نزول عذاب و نابودی آنان است. امام علی النقی (ع) به فردی که از شومی یک روز که برای او اتفاقات ناگواری افتاده بود شکایت می کرد فرمودند: چرا گناه خود را به بی گناه نسبت می دهی؟ روزها چه گناهی دارند که هنگامی که با اعمالتان مجازات می شوی روزها را شوم می پندارید. دیگر چنین مگو و روزها را در کار خدا دخیل بدان. (۱۷۵) این حدیث تصریح دارد که شومی و مبارکی برای زمان معنا ندارد و امام رضا (ع) برای رد کردن نظریه نحس بودن چهارشنبه فرمودند هرکس در آخرین چهارشنبه ماه به قصد مخالفت با اهل فال بد از منزل خارج شود از هر آفت و بلائی محفوظ بوده و خداوند نیاز او را برطرف می سازد (۱۷۶).

براساس روایات ملاک نحس بودن برخی روزها صرفاً فال بد زدن این روزها از سوی مردم و تاثیر روانی آن است و روایات بر آن است که تاثیر روانی نحوست این ایام را که ناشی از فال بد زدن خود مردم است از آنان دور کند و این کار را یا از طریق قدرت روحی شخص انجام می دهد و اگر چنین قدرت روحی ندارد از طریق قرائت قرآن یا دعا و پناه بردن به خداوند.

براساس روایات برای دفع نحوست روزها باید با صدقه دادن، روزه گرفتن، دعا و یا قرائت قرآن به خدا پناه برد. امام حسن عسگری (ع) در پاسخ به فردی که از ایشان برای رفع نحوست ایام راهنمایی خواست فرمودند که ولایت ما برای شیعیان مایه امنیت است ولایتی که اگر با آن در اعماق دریاها و میان بیابان ها و در بین درندگان و دشمنان جنی و انسی قرار گیرند از ترس و وحشت آنها ایمن خواهند بود پس به خدا اعتماد کن

سکوت نشانه اعتماد و احترام عمیق دوجانبه است. در ژاپن دوستان نزدیک دور هم می‌نشینند و در سکوت چیزی می‌نویسند (اشنایدر، ۶۷).

۱۳ - فضا (عمومی - خصوصی)

فضا نیز چون زمان معنای نمادین ژرفی دارد. فضای باز کاری نشان می‌دهد افراد باید بتوانند به آسانی با هم تماس گیرند حال آن که دفترهای خصوصی و درهای بسته به معنای نیاز افراد به اندیشیدن است. در پاره‌ای فرهنگ‌ها خلوت داشتن به معنای دور از چشم بودن کامل در پشت درهای بسته است. در فرهنگ‌های دیگر اگر فاصله به اندازه‌ای باشد که صدا نرسد حتی اگر شخص دیده شود گفته می‌شود او خلوت خود را دارد. فاصله‌ای که افراد ایستاده از یکدیگر می‌گیرند نشانه میزان رسمیت رابطه آنهاست هر چه فاصله کمتر باشد چنین برداشت می‌شود که آنها به هم نزدیکترند. اگر کسی که با ما چندان صمیمی نیست زیاد نزدیک شود احساس ناراحتی می‌کنیم و واپس می‌کشیم. اگر کسی اجازه دهد به او نزدیک‌تر شویم گمان می‌بریم میسر دارد با ما صمیمی شود. از این روست که وقتی می‌خواهیم رازی را به کسی بگوییم در گوشش نجوا می‌کنیم. جای دفتر و میز، جایگاه و رتبه صاحب آن را نشان می‌دهد. معمولاً هر چه جایگاه شخص بالاتر باشد دفتر او در طبقات بالاتر ساختمان واقع می‌شود و موانع بیشتری سر راه ورود به حریم او قرار می‌گیرد. در بسیاری از سازمانها محل، وسعت و میلان دفتر مستقیماً بستگی به مقام شخص دارد.

در ژاپن فضا محدود است در حالیکه در آمریکا فضا باز و فراخ است. از این

فرمود: خدایا بامداد پنجشنبه را به امتم مبارک گردان (۱۸۹) و در شب اول و نیمه‌های هر ماه از رابطه زناشویی با همسران پرهیز کنید زیرا شیطان در این دو وقت دنبال فرزند رود (۱۹۰).

در فرهنگ ایران چه نگرشی نسبت به زمان وجود دارد؟ توجه به زمان حال (مقطع گرایسی) و عقلت از آینده نگری از ویژگیهای فرهنگ ایرانی است.

(زمان زندگی مقطع گرایسی)

منظور از زمان زندگی یا مقطع گرایسی، تقدم منافع کوتاه مدت بر منافع بلند مدت است. یکی از دلایل تقدم منافع کوتاه مدت بر منافع بلندمدت در فرهنگ ایران، عدم وجود ثبات سیاسی اجتماعی در ایران بوده است (علیخانی، علی اکبر، ۱۱۴-۱۱۱).

۱۱ - زبان (ساده - پیچیده)

هال، فرهنگ‌ها را به دو گروه فرهنگ‌های زبان ساده و زبان پیچیده تقسیم می‌کند. در فرهنگ‌های زبان ساده، ارتباطات واضح و صریح هستند. شما حاشیه نمی‌روید و سریعاً به اصل مطلب می‌پردازید. در فرهنگ‌های زبان پیچیده، ارتباطات به شدت به شخص و موقعیت او وابسته است. در ارتباطات غیرکلامی، پیامهای بیشتری مبادله می‌شود. توانایی خواندن و تفسیر نشانه‌های غیر کلامی و زبان بدنی دیگران ضروری است. پیچیده گویی و مبهم گویی معمول است و با ارزش محسوب می‌شود.

آمریکایی‌ها معمولاً رک و صریح هستند و فوراً به اصل مطلب می‌پردازند و مسئله را کاملاً روشن و واضح می‌سازند.

سکوت و فرو خوردن خشم (خشم خود را بروز ندادن) موجب ناراحتی آمریکایی‌ها می‌شود در حالیکه در ژاپن

به یاران خود فرمود ستاره شناسی به پیشگویی می‌انجامد و پیشگویی به سحر و سحر به کفر و کفر به آتش می‌انجامد و سپس فرمود: به نام خدا حرکت کنید. (۱۸۲) امام صادق (ع) می‌فرماید: من به جای تعیین زمان کارها از طریق ستاره شناسی به تو پناه می‌آورم و یقین دارم که تو هیچ کس را بر جایگاه‌های ستارگان آگاه نکرده‌ای و راه رسیدن به تاثیرات آنها را هموار نکرده‌ای تو می‌توانی ستارگان را در مدارهایشان از مسیر سعدی (مبارک بودن) عام و خاص به نحوست و از نحوست عام و خاص به مسعود (مبارک بودن) برگردانی زیرا تو آنچه را بخواهی نابود و آنچه را بخواهی پا بر جا می‌سازی و نزد تو، ام الکتاب است (۱۸۳).

زمان‌های ویژه

بر اساس روایات، برخی روزها، شب‌ها و ساعات به عنوان زمانهای ویژه برای ارتباط با خدا و انجام سایر کارها معرفی شده است. به عنوان مثال سحر، هنگام سپیده دم تا طلوع خورشید، ماه رمضان، شب نیمه ماه شعبان (۱۸۴)، سه زمان ظهر، آخرین ساعات شب و هنگام سپیده دم جمعه (۱۸۵) از جمله زمانهای ویژه می‌باشند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بهترین زمان برای اینکه خداوند را بخوانید هنگام سحر است (۱۸۶) و درهای آسمان در اول شب ماه رمضان گشوده می‌شود و تا آخر این ماه بسته نمی‌شود. (۱۸۷) و امام صادق (ع) می‌فرماید در این ماه ارزاق تقسیم می‌شود و زمان مرگ افراد تعیین می‌شود. (۱۸۸) و امام علی (ع) می‌فرماید: بامداد پنجشنبه بدنبال حاجت خود بروید زیرا رسول خدا

رو در ژاپن به علت بالا بودن جمعیت و محدودیت فضا ارزش زیادی برای فضا قائل هستند. این مطلب به معنای آن است که حریم شخصی نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

پس می‌توان چنین ادعا کرد که میزان رسمی بودن یا حریم شخصی، فقدان حریم فیزیکی را جبران می‌کند. ژاپنی‌ها دوست ندارند که کسی به آنها بچسبد یا به کسی بچسبند، بلکه بیشتر دوست دارند با تعظیم کردن ادای احترام کنند و ادرات خود را به فرد مخاطب نشان دهند (شاین، ۶۷).

۱۴ - نگرش به هدف

مفهوم و اهمیت هدف و هدفگذاری

هدف به مقصود و غایتی گفته می‌شود که برای رسیدن به آن تلاش می‌شود. (فرهنگ معین) هدف بیانگر غایت، فلسفه و محرک هر حرکت و فعالیت است. عدم هدفگذاری موجب سردرگمی در انتخاب اولویت‌ها و فعالیت‌ها، عدم رضایت درونی و عدم ایجاد انگیزه برای فعالیت‌ها می‌شود. هدفگذاری موجب تمرکز نیروهای درونی در یک جهت مشخص و استفاده بهینه از این نیروها می‌شود. هدف هر فرد تعیین‌کننده ماهیت وجودی اوست. انسان واقعی کسی است که اهداف او از سطح حیوانی فراتر رفته و انسانی باشد. ارزش فرد به میزان ارزش هدف اوست. فردی که در زندگی هدفی جز بهره‌گیری از لذات مادی ندارد نه تنها مسلمان نیست بلکه انسان هم نیست زیرا این هدف در سطح حیوان است.

هدف صحیح در کنار ابزار پیشرفته برای سعادت بشر ضرورت دارد. پیشرفت علمی و تکنولوژیک موجب

پیشرفت بشر در بعد ابزاری می‌شود اما نمی‌تواند هدف شایسته‌ای برای او تعیین کند و در این زمینه نیازمند وحی است زیرا انسان در راستای تحقق هدفی که انتخاب کرده است از نیروی علم استفاده می‌کند.

چنانچه هدف از ارزش ذاتی و تقدس برخوردار باشد ابزار تحقق هدف نیز ارزشمند و مقدس خواهد شد. ملاک ارزش امور، ارزشمندی غایت آنهاست بنابراین هر فعالیتی که با نیت رسیدن به یک هدف الهی انجام پذیرد عبادت تلقی می‌شود.

اگر فرد احساس کند که کار او یک کار عادی است و هیچ هدف ویژه و آرمانی ندارد در او انگیزه‌ای برای تلاش مستمر ایجاد نخواهد شد. از این رو در روایات بر بلندگویی تأکید شده است. امام علی می‌فرماید کار خوب از بلندگویی همت خیر می‌دهد هرگونه اقدام و تلاش سازنده تابعی است از بلندگویی همت و بدون بلندگویی تلاش وجود نخواهد داشت (آمدی، ۱، ۳۶۵).

بلندگویی به معنای اتخاذ اهداف و مقاصد عالی (آرمان‌های انسانی و معنوی) و پستگویی به معنای داشتن اهداف سطحی و پوچ (مادی و شهوانی) است. (واتقی، ۲۱۱) امام علی می‌فرماید: بهترین همت‌ها بلندترین آنهاست. (آمدی، ۳، ۴۲۵) و اندازه و مرتبه هر فرد به اندازه همت اوست. (آمدی، ۴، ۵۰۰) و کسی که همت بلندی داشته باشد همه مردم درجه و مقام او را بزرگ می‌دارند. (آمدی، ۵، ۳۱۳) انسانیت انسان بسته به همت اوست (المرء بهمه) (آمدی، ۱، ۶).

در بعد اجتماعی نیز هر گروه، سازمان و جامعه‌ای برای پیشرفت نیازمند آرمان و چشم‌انداز مشترکی

است که در کلیه افراد نهادینه شده و با ایجاد عزم (ملی) و وحدت (ملی) تحقق آن را تسهیل نماید.

جامع‌نگری در هدفگذاری

جامع‌نگری در سه بعد انسان، زمان و مکان ضرورت دارد. در بعد انسان ابعاد مختلف وجودی او مانند جسمی، روحی روانی، ذهنی و عاطفی و پرورش هم‌زمان این ابعاد باید مورد توجه قرار گیرد. در بعد زمان اولاً علاوه بر تأمین منافع و مصالح انسان‌های معاصر، منافع نسل‌های آینده نیز باید مورد توجه قرار گیرد و ثانیاً علاوه بر، پیشرفت و رفاه در زندگی دنیوی، به سعادت اخروی نیز باید اندیشید.

۱ - جامعیت در بعد انسان

اسلام مکتب انسان‌سازی در تمام ابعاد آن است (خمینی، روح الله، الف) جامعیت هدف در بعد انسان به معنای لحاظ نمودن رشد و پرورش هم‌زمان تمام ابعاد وجودی انسان شامل جسمی، روحی، ذهنی، عاطفی، فردی و اجتماعی است. تولید و خدمت‌ابزاری برای تعالی انسان است بنابراین تولید و خدمت باید در راستای پرورش ابعاد جسمی، روحی، ذهنی، عاطفی، فردی و اجتماعی انسان مورد توجه قرار گیرد و چنانچه با این هدف مغایر باشد باید از آن صرف نظر کرد.

در بعد فردی پیامبر اکرم هدف از بعثت خود را تمام کردن مکارم (والای‌های) اخلاق معرفی کرده‌اند. (نورالثقلین، ۵، ۳۲۹) یعنی هدف نهایی اسلام تربیت انسان است زیرا منشأ تمام خیرات و شروزی که در جهان ایجاد می‌شود انسان است و اگر او به درستی تربیت شود جامعه نیز اصلاح خواهد شد و چه

بسا تربیت یک انسان بزرگ به ایجاد تحولی مثبت در کل جهان منجر شود.

در بعد اجتماعی امام حسین (ع) هدف از قیام خود را اصلاح جامعه و امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند. (مطهری، ب، ۲) زیرا نظام‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در تربیت انسان دارد و می‌توان بسیاری از جرمها و جنایت‌ها را در نظام‌های معیوب و فاسد اجتماعی ریشه‌یابی کرد چرا که انسان فطرتاً پاک است و عوامل وراثتی و محیط خانوادگی و اجتماعی فطرت پاک او را دستکاری و آلوده می‌سازد.

۲ - جامعیت در بعد زمان

عقل ایجاب می‌کند انسان وسیله را هدف و راه را مقصد نپندارد و هر یک را به میزان ارزش آن بها دهد. دنیا ابزار و راه و آخرت هدف و مقصد است. بنابراین زندگی دنیوی را باید در راستای زندگی اخروی جهت دهی نمود زیرا امتداد زمان با مرگ پایان نمی‌پذیرد بلکه در مراحل دوم (برزخ) و سوم (آخرت) ادامه می‌یابد: قرآن مجید می‌فرماید آیا فکر کردید شما را بیهوده آفریدیم و به سوی ما باز نمی‌گردید. (سوره مؤمنون، آیه ۱۱۴) و آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست را بیهوده نیافریدیم آنها را به حق آفریدیم اما اکثر مردم نمی‌دانند. (سوره دخان، آیه ۳۴) خداوند مرگ و حیات را خلق کرد تا شما را بیازماید که کدامیک نیکو کردارترید (سوره ملک، آیه ۲).

جهت‌دهی زندگی دنیا در راستای زندگی اخروی تنها از طریق تقوا میسر است. قرآن می‌فرماید: هر مرد و زن مؤمنی که عمل صالح انجام دهد او را به یک زندگی خوش (طیب) زنده می‌گردانیم. از دیدگاه امام علی (ع) کسی سعادت‌مند

نمی‌شود مگر با اجرای حدود الهی و کسی بدبخت نمی‌شود مگر با ضایع کردن آن (خوانساری، حدیث، ۳۲۹۴).

قرآن هدف خلقت را عبادت می‌داند (ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون، زاریات، ۵۶) و منظور از عبادت اطاعت از خداوند در تمام جنبه‌های زندگی است. خداوند متعال در این آیه به جای هدف، مسیر معطوف به هدف را معرفی کرده است زیرا در غیر این صورت، انسان در انتخاب راه صحیحی که او را به هدف می‌رساند دچار اشتباه و ابهام می‌شد.

قرآن کریم از سعادت - که هدف نهایی هر فرد است - با تعبیری مانند فوز (رستگاری)، فلاح و نجات یاد نموده است که با ورود به بهشت و نجات از عذاب جهنم محقق می‌شود و تنها راه آن تقواست: رستگاری برای اهل تقوا است که برای آنان باغ‌های بهشت و تاکستانهاست. (سوره نبا، آیات ۲۱-۲) و تنها اهل بهشت رستگارند (اصحاب الجنة هم الفائزون). رستگاری از ریشه رستن به معنای نجات (رستن) از عذاب جهنم است. امام علی می‌فرماید: سعادت چیزی است که به رستگاری منجر می‌شود (محمدی ری شهری، ۴، ۴۵۸).

برخی بدبخت و برخی نیک بخت هستند افراد بدبخت در آتش بوده و برای آنان در آن فریاد سخت و ناله بوده و برای همیشه در آن خواهند بود تا وقتی که آسمان‌ها و زمین باقی است مگر اینکه خدا بخواهد خداوند آنچه را بخواهد انجام خواهد داد اما آنان که نیکبخت شدند در بهشت جاودان شوند مادامی که آسمان‌ها و زمین باقی است مگر آنچه خدا بخواهد بخششی غیر مقطوع (سوره هود، آیات ۱۰۸-۱۰۵).

از دیدگاه امام علی: بهشت بهترین

هدف. (خوانساری، حدیث ۳۳۰۸) هدف نهایی مؤمن (همان، حدیث ۳۳۱۹) است و کسی که آخرت خود را آباد کند به امیدهای خود می‌رسد. (آمدی، ۵، ۲۷۷) و هدف نهایی قیامت است (خوانساری، حدیث ۳۲۹۵) و نهایت مطلوب (خواسته) با رضای الهی بدست می‌آید. (آمدی، ۴، ۳۹۴) زیرا دنیا گذرگاه آخرت است. (آمدی، ۱، ۱۲۰) و کمال در دنیا موجود نیست. (آمدی، ۱، ۹۱) و کسی که برای او مقصد غیر خدایی باشد ضایع شده است (آمدی، ترجمه انصاری، ۴۴۲).

توحید مستلزم این است که انسان تنها هدف خود را خدا قرار دهد و سایر اهداف او از این هدف سرچشمه گیرد یعنی هیچ کدام استقلال و اصالت نداشته و همه مولود این هدف باشند. (مطهری، ج، ۷۷) حضرت ابراهیم هدف خود را در زندگی، نماز، عبادت و مرگ، خداوند معرفی می‌کند.

۳ - جامعیت در بعد مکان

جامعیت هدف از لحاظ مکانی به معنای توجه به سعادت بشری در سطح جهانی، صلح جهانی و آبادانی زمین است هدف را از خود، خانواده، شهر و کشور خود باید وسعت بخشید، جهانی فکر کرد و نسبت به تمام انسانها همان احساسی را داشت که نسبت به خود و اعضای خانواده خود داریم. پیامبر اکرم خود را فرستاده خدا به سوی همه مردم معرفی می‌کند. (سوره اعراف، آیه ۱۵۸) و خداوند هدف از ارسال پیامبر اکرم را رحمت و مهربانی برای جهانیان ذکر می‌کند. (سوره انبیاء ۱۰۷۵) و هدف سایر پیامبران را نیز خارج نمودن همه مردم از تاریکی‌ها به سوی نور معرفی می‌کند. خطاب قرآن یا ایها المسلمین و یا ایها

المومنین نیست بلکه «یا ایها الناس» است یعنی همه مردم در تمام نقاط کره زمین با هر دین و نژاد مورد خطاب قرآن قرار گرفته‌اند و قرآن مخاطب خود را آنان می‌داند (هذا بیان للناس؛ هدی للناس). بنابراین سعادت و بهزیستی و رفاه تمام انسانها و کاستن از درد و رنج و محرومیت آنان و برقراری صلح جهانی باید هدف قرار گیرد.

صلح و سلم در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است: صلح به معنای مسالمت و سازش و از بین بردن نفرت از بین مردم است. (قریشی، ۴، ۱۴۱) و سلم نیز به معنای صلح است. سلم و اسلام هر دو یکی است. (همان، ۳، ۲۹۹) قرآن می‌فرماید صلح بهتر است. (سوره نساء، ۱۲۸) و ای اهل ایمان همگی در سلم (صلح) داخل شوید (سوره بقره، آیه ۲۰۸).

اسلام در روابط بین المللی خود اصل همزیستی مسالمت آمیز را به عنوان مهمترین اصل ارائه کرده است. برخی از دستورات اسلام در این زمینه به شرح زیر است:

۱- عدم تحمیل عقیده: قرآن می‌فرماید در دین اکراه و اجبار نیست. (همان، آیه ۲۵۶) مسلمین نباید عقاید خود را به سایر ملت‌ها تحمیل کنند تا زمینه‌ای برای ایجاد تشنج و درگیری نباشد.

۲- تبلیغ مسالمت‌آمیز: قرآن کریم می‌فرماید با حکمت و با اندرز نیکو مردم را به پرودگارت فراخوان و به شیوه‌ای که بهتر است با آنان بحث و گفتگو کن. (سوره نحل، ۱۲۵) و با اهل کتاب جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله نکنید (عنکبوت، ۴۶).

۳- اولویت صلح و سازش: قرآن خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید هرگاه کفار به صلح گرویدند تو نیز تمایل

نشان ده. (انفال، ۶۱) و امام علی به مالک می‌فرماید: هرگز صلحی را که دشمنت به آن دعوت می‌کند و رضایت خدا در آن است دفع نکن (شریف رضی، ن ۵۳).

قرآن کریم در مورد بی‌طرفی سیاسی می‌فرماید: هرگاه از شما کناره گرفتند و با شما درگیر نشدند و پیشنهاد صلح دادند خداوند به شما اجازه نمی‌دهد که به آنها تعرض کنید. (نساء، ۹۰) در سیره پیامبر اکرم موارد متعددی دیده می‌شود که ایشان بی‌طرفی برخی طوایف را پذیرفته و با برخی از آنان پیمان عدم مداخله دو جانبه امضا کرده است:

پیمان پیامبر اکرم با بنو ضمره در سال دوم هجرت یک پیمان عدم مداخله دو جانبه بود. (احمدی میانجی، ۲، ۳۵۸) و قبول اعلامیه بی‌طرفی قبیله بنو عتم در جنگ موته و قبول ضمنی سیاست بی‌طرفی در پیمان حدیبیه از مصادیق بی‌طرفی است. (مرکز تحقیقات، ۱۳۰-۱۲۵) در شرایط بی‌طرفی سیاسی، کشور اسلامی نمی‌تواند به ضرر کشورهای که علیه دارالاسلام یا به نفع دشمنان دارالاسلام موضعی نگرفته اند اقدامی انجام دهد (خلیلیان، ۲۲۹).

آیا هدف وسیله را توجیه می‌کند؟ پاسخ به این سؤال منوط به این است که چه تعریفی از هدف و وسیله داشته باشیم. اگر هدف کسب قدرت و ثروت باشد و وسیله عبارت از راه‌های نامشروع و نامعقول باشد، پاسخ به این سؤال منفی است. امام علی می‌فرماید کسی که با گناه و تجاوز به پیروزی رسیده است، پیروز نشده است و کسی که با شر و ستمگری غالب شود مغلوب است. (مشکوٰۃ الانوار، ۳۲۵) آیا به من می‌گوئید با ستمگری به پیروزی برسیم؟ به خدا سوگند تا وقتی که شب و روز از

پی یکدیگر آیند و ستاره‌ها در آسمان‌ها بدرخشند چنین نخواهم کرد. (نهج البلاغه، فیض، خ ۱۲۶) و رضایت ده که شکست بخوری در حالی که عدالت را رعایت کرده‌ای و راضی نباش که با ستمگری پیروز شوی (ابن ابی الحدید، ۲، ۳۵۸).

به نظر می‌رسد اگر هدف حق باشد و وسیله در سطوح پایین‌تری با حق در تعارض باشد طبق قاعده تعارض و قاعده دفع افسد به فاسد، در شرایط خاص با نظر کارشناسی مجتهد جامع الشرایط می‌توان از حق در سطح ظاهری و سطوح پایین آن به منظور تأمین حق در سطح واقعی و والای آن صرف نظر کرد. استحباب مکر و نیرنگ در جنگ، جواز نابودی سپر انسانی دشمن، (شهید ثانی) و جوب حکم قصاص، عدم توجه به حق مالکیت و عبور از ملک دیگران به منظور نجات فردی که جان او در خطر است، عدم اجرای موقت احکام اولیه با تشخیص مصلحت توسط ولایت فقیه، گذاشتن جام حضرت یوسف در محموله برادرش بنیامین و دزد خطاب کردن آنان به منظور نگهداشتن برادرش نزد خود، سوراخ کردن کشتی و کشتن یک انسان توسط حضرت خضر به منظور جلوگیری از غصب کشتی توسط حاکم ظالم و نیز جلوگیری از رشد یک فرد گمراه، گذاشتن تبر بر دوش بت بزرگ توسط حضرت ابراهیم و معرفی او به عنوان خرد کننده بت‌ها به منظور تبیین باورهای غلط آنان، جواز دروغ گفتن به منظور اصلاح بین افراد و نیز جواز دروغ گفتن شوهر به همسر خود در بیان علاقه خود به او، جواز لمس کردن نامحرم هنگام نجات او از مرگ، جواز خراب کردن خانه‌هایی که در مسیر احداث راه و طرح‌های ملی است، اقدام پیامبر اکرم

منابع:

- مبنی بر کندن درخت فردی که در باغ فرد دیگری بود و به بهانه سرکشی به درخت خود مزاحم اهل خانه می‌شد، جواز دروغ گفتن به ظالمی که قصد دستگیری و آزار مظلومی را دارد و جواز مقابله به مثل در جنگ از جمله نمونه‌های این امر است.
- از دیدگاه امام علی(ع) یقین، حق‌گرای و حسن نیت موجب دستیابی به اهداف خود می‌شود: و با یقین است که هدف نهایی بدست می‌آید و سعادت در حق‌گرای است و با حسن نیت می‌توان به خواسته‌های خود رسید و هر کس بد نیت باشد به آرزو و آرمان خود نمی‌رسد.
- سایر فرضیات بنیادین:**
- خلاقیت و خطرپذیری: (میزانی که افراد تشویق می‌شوند تا خلاق، نوآور و خطر پذیر باشند)، توجه به جزئیات: (میزانی که انتظار می‌رود کارکنان بتوانند مسائل را تجزیه و تحلیل کنند و به صورتی دقیق به امود بپردازند)، توجه به نتیجه: (میزانی که مدیریت به نتیجه‌ها یا ره آوردها توجه می‌کند نه به روشها و فرآیندهایی که باید برای دستیابی به این نتیجه‌ها به کار برد)، توجه به افراد (میزانی که مدیریت به کارکنان اجازه می‌دهد در تصمیم گیریها مشارکت کنند و میزانی که مدیریت در باره ی اثرات نتیجه‌های تصمیم گیری بر افراد توجه می‌کند)، تشکیل تیم (میزانی که مدیریت کارها را به گونه ای تنظیم می‌کند که به وسیله تیم انجام شود) تحول (میزانی که افراد دارای روح پرخاشگری، تحول و یا حتی جسارت هستند)، ثبات یا پایداری (میزانی که سازمانها در فعالیتهای خود به حفظ وضع موجود تاکید و توجه می‌کنند) (رابینز، ۱۰۵۹) سایر فرضیات بنیادین فرهنگ هستند. ■
- گروهی از نویسندگان (نسرین مصفی، حمید احمدی، علی محمودی، غلامرضا ظریفیان، علی اکبر علی‌خانی، حاجیانسی، عبداللهی، رفیع پور، عبدی و گودرزی، شرفی، محمدرضا) به اهتمام علیخانی، علی اکبر، هويت در ایران، پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی، تهران: ۱۳۸۳.
- حیدریان، محسن، مردم سالاری، نشر فصل سبز، تهران: ۱۳۸۱
- گروهی از نویسندگان (عماد افروغ، مسعود کوثری، هادی جلیلی و دیگران، جامعه و فرهنگ، جلد ۴، انتشارات آرون، تهران: ۱۳۸۰).
- صفاء، ذبیح الله، فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، انتشارات مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی، تهران: ۱۳۵۰.
- ولایتی، علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، تهران: ۱۳۸۲.
- کوثری، مسعود، آسیب شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار، مرکز بازشناسی اسلام ایران، تهران: ۱۳۷۹.
- صنیع لاجلال، مریم، درآمدی بر فرهنگ و هويت ایرانی، مؤسسه مطالعات ملی، تهران: ۱۳۸۴
- گروهی از نویسندگان (مفتخری، حسین و دیگران) جامعه و فرهنگ، جلد اول، انتشارات آرون، تهران: ۱۳۸۰
- عبدی، عباس، گودرزی، محسن، تحولات فرهنگی در ایران، انتشارات روش، تهران: ۱۳۷۸.
- پورداود، فرهنگ ایران باستان، دانشگاه تهران، تهران: ۱۳۲۶
- محمودی بختیاری، علیقلی، فرهنگ و تمدن ایران، مدرسه عالی بازرگانی، تهران: ۱۳۵۳
- بهار، مهرداد، فرهنگ ایران، انتشارات فکر روز، تهران: ۱۳۷۳
- سریع القلم، محمود، عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران: ۱۳۸۰.
- طباطبایی، جواد، عقلانیت و توسعه، فرهنگ و توسعه، شماره ۵.
- چلبی، مسعود، بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران: ۱۳۸۱.
- موحدی، مسعود، نگاهی به نیرخ فرهنگی ایرانیان، مجموعه مقالات اولین همایش مهندسی فرهنگی، ج اول، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران: ۱۳۸۶.
- ابوالقاسمی، محمدجواد، شناخت فرهنگ، نشر عرش پژوه، تهران: ۱۳۸۴
- اینگلهارت، ۳۳۳۳ تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی
- طوسی، محمدعلی، فرهنگ سازمانی، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران: ۱۳۷۲
- اشنايدر، لوزان سی و یارسو، ژان لویی، مدیریت در پهنه فرهنگها، ترجمه محمد اعرابی و داود ایزدی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران: ۱۳۸۲
- رابینز، استیفن پ، مبانی رفتار سازمانی، ج ۲، ترجمه علی پارساییان و محمد اعرابی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران: ۱۳۸۴
- فیزی، دایانا،
- خامنه‌ای، سیدعلی، ولایت
- راغب اصفهانی، مفردات قرآن
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمود دشتی
- مکارم شیرازی، مدیریت و فرماندهی در اسلام
- ابی محمدحسن، تحف العقول
- کلینی، وسایل الشیعه
- مطهری، مرتضی، الف، سیری در سیره ائمه اطهار
- حکیمی، محمدرضا، الحیاه
- خوانساری، جمال الدین، تصنیف غرالحکم و درر الکلم
- آمدی، عبدالحمید، غرالحکم و دررالکلم
- محمدی ری شهری، میزان الحکمه
- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه
- مجموعه ورام
- اوهایزر، مدیریت زمان، ۱۳۷۸
- سروش، مدیریت زمان، ۱۳۷۶
- مجلسی
- فرهنگ معین
- المنجد
- واثقی، اخلاق مدیریت
- خمینی، روح الله، الف، کلمات قصار
- نورالثقلین
- مطهری، مرتضی، ب، حماسه حسینی، ج ۲، ۳۱
- مطهری، مرتضی، ج، تکامل اجتماعی انسان، صدا، تهران: ۱۳۷۴
- قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن
- احمد میانجی، مکاتیب الرسول، ۲
- مرکز تحقیقات اسلامی
- خلیلیان، حقوق بین الملل اسلام
- مشکوٰه الانوار
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه فیض
- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۲
- شهید ثانی، اللمعه الدمشقیه
- رابینز، استیفن پی، مدیریت رفتار سازمانی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران: ۱۳۸۴
- مطهری، مرتضی، سسیری در سیره نبوی، صدا، تهران: ۱۳۸۴